



همه سران رژیم کودک کش



مطالب این بولتن صرفاً جهت
اطلاع رسانی بوده و نقل از آن با
ذکر منبع مجاز می باشد.

الرحمن
الرحيم



همه‌سران رژیم کودک‌کش



بن گوریون

اولین نخست‌وزیر کودک‌کش اسرائیل

دیوید گروئن یا همان دیوید بن گوریون را بیشتر تحت عنوان نخستین نخست‌وزیر رژیم غاصب صهیونیستی می‌شناسند. بن گوریون از مهم‌ترین پایه‌گذاران رژیم جعلی اسرائیل محسوب می‌شود؛ دیکتاتوری خونریز که برای فهم این خوی حیوانی‌اش، کافی است جستجویی در میان منابع مرتبط داشت. ایجاد گروه تروریستی بسیار خشن تحت عنوان "هاگانا"، که برای رسیدن به منافع خود، به هیچ کس و هیچ چیز رحم نمی‌کرد، یکی از اقدامات خشونت‌آمیز بن گوریون است. دو دوره نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی، و اداره وزارت جنگ از جمله اتفاقات مهم حیات تیره او بود؛ سرانجام در سال ۱۹۷۳ در سرزمین غصبی فلسطین حیات ننگین او خاتمه یافت. [۱]

«عشاق صهیون» از یهودیان افراطی منطقه لهستان بود. دیوید در ۱۴ سالگی به همراه دو تن از دوستان خود گروهی را به نام ازرا (Ezra) تشکیل دادند که در آن به آموزش زبان عبری و تشویق مردم به مهاجرت به سرزمین مقدس، یعنی فلسطین، می‌پرداختند.

این امر به خوبی نشان می‌دهد که بحث از مهاجرت به سرزمین‌های فلسطین و استقرار در سرزمین مقدس، بسیار پیش از جنگ جهانی اول مطرح شد و از همان زمان یهودیان مستقر در نقاط مختلف اروپا، به ویژه لهستان، امپراطوری روسیه وقت، برای این هدف

کودکی و درونی‌سازی تعالیم صهیونی

دیوید گروئن، در ۱۶ اکتبر ۱۸۸۶ در منطقه پلونسک (Plonsk) لهستان، که در آن زمان تحت حکمرانی امپراطوری روسیه بود به دنیا آمد. پدرش، ویکتور گروئن از رهبران شاخه

در قسمت‌های شمالی فلسطین، فعالیت‌های خود را آغاز کرد. در همین سال‌ها بود که نام مستعار بن‌گوریون را برای خود برگزید. [۴] در سال ۱۹۰۷ در تعقیب جاه‌طلبی‌هایی که در نوجوانی به او القا شده بود، حزب «کارگران صهیون» را بنا نهاد و در بیانیه حزب، هدف آن را اینچنین اعلان کرد: «حزب کارگران صهیون می‌کوشد تا استقلال سیاسی را برای مردم یهودی در این سرزمین به ارمغان بیاورد.» [۵]

با آغاز جنگ جهانی اول، حاکمان ترک فلسطین به فعالیت‌های او مشکوک شده و او را از این سرزمین اخراج کردند. وی در سال‌های اوج جنگ جهانی اول، در نیویورک پناه گرفت و در آنجا با یک دختر روسی الاصل به نام پائولین مانوئیس (Pauline Munweis) ازدواج کرد. به دنبال انتشار اعلامیه بالفور توسط انگلیس که با حمایت ثروت هنگفت جامعه یهودی آمریکا محقق شد، بن‌گوریون در هنگ یهودیان ارتش انگلیس ثبت نام کرد و بار دیگر به سرزمین‌های فلسطین بازگشت. [۶]

استقرار اتحادیه هیستادروت و تشدید فعالیت‌های سیاسی نظامی

بن‌گوریون برای تحقق بخشیدن به رؤیای شوم استقلال سیاسی صهیونیست‌ها، تمام تلاش

اقدامات گسترده‌ای ترتیب داده بودند. دیوید گروئن، بعدها هنگامی که به سرزمین‌های فلسطین وارد شد نام عبری بن‌گوریون را برای خود برگزید. [۲]

نوجوانی و جوانی؛ بنیانگذاری و رهبری احزاب صهیونی

در سال ۱۹۰۵ دیوید وارد دانشگاه ورشو شد و در این دانشگاه نیز فعالیت‌های صهیونیستی خود را ادامه داده و به حزب سوسیال دموکرات کارگران یهودی (Poalei Zion) پیوست. یک سال پس از این وی به فلسطین رفت و در آنجا فعالیت‌های خود را ادامه داد. [۳]

همانطور که گفته شد دیوید فرزند "ویکتور گروئن" از رهبران شاخه «عشاق صهیون» از یهودیان افراطی منطقه لهستان بود. این جنبش یهودیان را به مهاجرت به فلسطین برای اشغال آینده این کشور ترغیب می‌کردند و دیوید نیز در نوجوانی به این جنبش پیوست. فعالیت در همین جنبش او را متقاعد ساخت که بهترین راه برای ایجاد یک حکومت صهیونی در فلسطین مهاجرت به این کشور و خرید زمین به بهانه کشاورزی در سرزمین‌های آن است. لذا در سال ۱۹۰۶، در سن ۲۰ سالگی به سرزمین‌های فلسطین قدم نهاد و در سواحل شهر جلیل واقع

به رهبری هیئت اجرایی صهیونیست (Zionist Executive)، بزرگترین انجمن صهیونیستی دنیا، و سرپرستی آژانس یهودیان (Jewish Agency) و شاخه اجرایی این هیئت، برگزیده شد. [۸]

دسترسی وی به پول و امکانات بیشتر این فرصت را فراهم آورد تا فعالیت‌های هیستادروت را گسترش دهد. این سازمان که در ظاهر اتحادیه کارگری بود و در واقع یک دولت در سایه، به زودی مجهز به یک گروهک تروریستی خاص خود به نام هاگانا شد. این گروهک که بعدها شهرت آن از سازمان اصلی تشکیل دهنده آن نیز فراتر رفت یکی از شاخه‌های اصلی شکل دهنده به ارتش فعلی اسرائیل نیز هست. هدف اصلی از تشکیل این سازمان‌های مخفی و تروریستی آن بود که فلسطین به مرور تحت اشغال صهیونیست‌ها درآید.

چشم طمع به فلسطین

بن گوریون در سال ۱۹۳۷ در نامه ای به فرزند خود عاموس خاطر نشان ساخت که راهی که از نظر او و دیگر رهبران صهیونیسم برای آینده در دست ایجاد است آن است که باید عرب‌ها



خود را به کار بست تا به مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های فلسطین سرعت بخشد. در همین راستا تصمیم گرفت یک هسته مرکزی یهودی ایجاد کند که بستری شود برای استقرار دولت صهیونیستی. از این رو در همان دوران قیمومت انگلیس (۱۹۱۷-۱۹۴۸) بر فلسطین، یک اتحادیه کارگری به نام هیستادروت (Histadrut) را بنیان نهاد. این اتحادیه بیش از آن که یک اتحادیه کارگری باشد یک حزب سیاسی و در واقع یک دولت در سایه بود که بخش‌های امنیتی، سیاسی، نظامی و ... را در بر می‌گرفت. این دولت در سایه به یهودیان صهیونیست امکان فعالیت جدی برای اشغال فلسطین از ساکنان اصلی آن یعنی فلسطینیان را می‌داد. [۷]

ده سال پس از تأسیس هیستادروت، در سال ۱۹۳۰، شماری از اتحادیه‌های کارگری یهودی در سرزمین‌های فلسطین، حزب کارگران اسرائیلی (Mapai) را بنیان نهادند و بن‌گوریون را به ریاست آن گماشتند. در سال ۱۹۳۵ وی



دست اسرائیلی‌ها افتاد، از خانه و کاشانه خود به زور اخراج و مجبور به مهاجرت شده‌اند. این در حالی است که سران رژیم صهیونیستی از جمله بن‌گوریون در آن زمان در تبلیغات خود چنین مدعی شده بودند که سرزمین بدون ملت را برای ملت بدون سرزمین انتخاب کرده‌اند.

شایان ذکر است که ایان پایه در نوشتارهای خود پس از خارج شدن از اسرائیل تصریح کرده است که از نظر او خطر صهیونیسم برای یهودیان از هر گروه مسلح فلسطینی یا عرب بیشتر است. [۱۰]

را از سرزمین فلسطین بیرون بریزند و جای آنها را بگیرند. [۹]

ایان پایه یک نویسنده اسرائیلی که از فلسطین اشغالی به انگلستان مهاجرت کرده است در کتاب خود "پاکسازی نژادی در اسرائیل" نشان داده است که برنامه پاکسازی سرزمین فلسطین از عرب‌ها، از سالها قبل از ۱۹۴۸ در دستور کار سران جنبش صهیونیسم بوده است و آنان خود را برای این امر آماده می‌کرده‌اند. مطابق آمارهایی که در این کتاب مطرح شده است فقط در سال ۱۹۴۸، ۷۲۰ هزار نفر از مجموع کل ۹۰۰ هزار عرب ساکن در مناطقی که به



قرائت اعلامیه به اصطلاح استقلال

بن‌گوریون کسی بود که اعلامیه به اصطلاح استقلال اسرائیل را در مجلس این رژیم قرائت کرد و به عنوان اولین شخصیت رسمی پر قدرت یهودیان صهیونیست، شهرت فراوانی یافت. شایان ذکر است که رژیم اشغالگر قدس مدعی آن است که در جنگ و با زور فلسطین را اشغال نکرده است بلکه این سرزمین را از استعمار انگلیس خارج کرده است و از این رو به جای آنکه روز تاسیس رژیم صهیونیستی را که بر خون صدها هزار فلسطینی بنا شده است جشن بگیرند روز «استقلال» اسرائیل را جشن می‌گیرند و مدعی آن هستند که از استعمار انگلیس مستقل شده‌اند. این امر در فضای سالهای بعد از جنگ جهانی دوم که کشورهای مختلفی در آسیا و آفریقا به استقلال از استعارهای مختلف انگلیس و فرانسه دست می‌یافتند یک ظاهر سازی فریبنده و یک شگرد تبلیغاتی بود که البته صهیونیست‌ها هنوز هم به آن ادامه می‌دهند. بن‌گوریون در سال ۱۹۴۶ مدیریت سازمان جهانی صهیونیسم را بر عهده گرفت و در سال ۱۹۴۸ استقرار رژیم مجعول صهیونیستی را اعلان کرد. [۱۱]

اولین نخست وزیر رژیم غاصب

او اولین نخست وزیر رژیم غاصب صهیونیستی و یکی از شخصیت‌های تاثیرگذار در تشکیل این رژیم بود که دو دوره مختلف را در مهمترین پست اجرایی این رژیم پشت سر گذاشت. وی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ و از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ نخست وزیر رژیم صهیونیستی بود. در میان این دو دوره برای مدت کمتر از دو سال موشه شاروت (Moshe Sharett) نخست وزیر رژیم صهیونیستی شد.

مطالعه دقیق تاریخ رژیم صهیونیستی نشان می دهد، اغلب سران خونریز این رژیم، برای خود گروهکی تروریستی و نیمه مخفی ایجاد کرده بودند که در مواقع مختلف برای پیشبرد اهداف خود، آن گروه ها را وارد میدان می کردند. اصلی ترین گروه های تروریستی صهیونیستی عبارتند از: هاشومیر (الحارس)، بیتار، نوتریم، جیش الیهود، هاهیل (لواء الیهود)، هاگانا (الدفاع و العمل)، اتسل، اشترن و ... [۱۳]

گزارش های مختلف نشان می دهد که بن گوریون، اسحاق شامیر، مناخیم بگین و بعدها آریل شارون اصلی ترین سران گروه های تروریستی دخیل در پشت پرده سیاست اسرائیل بوده اند. [۱۴]

شواهد نشان می دهد که هر یک از سران سیاسی رژیم صهیونیستی یک گروهک تروریستی مسلح و مخفی نیز برای خود داشته است و از این طریق بخش ناپیدای سیاست های مورد نظر او را اجرا می کرده است. این گروه های جنایتکار به هیچ اصل اخلاقی و انسانی پایبند نبوده اند به طوری که در درگیری مشهور میان گروه ایرگون به رهبری مناخیم بگین با نیروهای تحت فرمان بن گوریون در سال ۱۹۴۸ در سواحل تل آویو ۱۶ نفر از گروه ایرگون و سه نفر از نیروهای تحت فرمان بن

بن گوریون، در همان دو دوره، وزارت جنگ رژیم صهیونیستی را نیز اداره می کرد. در سال ۱۹۶۳ از نخست وزیری استعفا داد و از فعالیت سیاسی کناره گیری کرد. [۱۲]

بن گوریون؛ شخصیت سیاسی - نظامی - تروریستی

بن گوریون را به عنوان یک شخصیت سیاسی - نظامی - تروریستی باید شناخت. در سالهای طولانی تلاش او برای کشتار، مهاجرت اجباری، ایجاد رعب و ترس و نیز سرکوب فلسطینیان بیش از آن که بتوان شمرد جنایت رخ داده است. بخش قابل توجهی از سیاست های اشغالگری رژیم صهیونیستی و کشتار زنان و کودکان فلسطینی در دوران رهبری غیر رسمی و سپس رسمی او بر فعالیت های صهیونیست ها رخ داده است. او علاوه بر فعالیت های سیاسی و کسب مشاغل رسمی در انجام کارهای مخفیانه تروریستی نیز فعال بوده است. تاسیس گروه تروریستی نیمه مخفی هاگانا یکی از مهمترین فعالیت های او در این زمینه محسوب می شود.

گروهک های تروریستی سران رژیم صهیونیستی

گوریون کشته شدند. [۱۵]

هاگانا؛ ساخته بن گوریون

هاگانا مهم ترین گروه تروریستی تاسیس شده توسط بن گوریون است؛ جنایات انجام شده توسط این گروه تروریستی واقعا فراوان و همراه با خشونت بسیار است. تنها بازخوانی بخشی از جنایات بی رحمانه ای که توسط این گروه و به دستور بن گوریون انجام شده، میزان سبعیت این فرد و این گروه را به خوبی نمایان می سازد. در ادامه تنها به بخشی از جنایات آشکار این گروه نیمه مخفی اشاره می شود:

عامل سرکوب

فلسطینیان و اعراب در سال ۱۹۲۹

گروهک تروریستی هاگانا در سال ۱۹۲۹ اصلی ترین عامل سرکوب مخالفت های فلسطینیان و اعراب و کشتار آنان بود. این سازمان با همکاری نزدیک با انگلیسی های اشغالگر به سرکوب فلسطینیان و اعراب می پرداختند و از این رو تا حوالی سال ۱۹۴۰ از سوی انگلیسی ها یک گروهک تروریستی آرام محسوب می شدند که هرچند در ظاهر غیر قانونی بود اما چندان مقابله ای نیز با آن

صورت نمی گرفت. [۱۶]

هاگانا و شورش ژنرال ها

بن گوریون برای رسیدن به قدرت در اسرائیل نیز از توان تروریستی و نیروی نظامی مخفی خود استفاده کرد و رهبران گروه های شبه نظامی مخالف خویش را یکی پس از دیگری از میان برداشت و یا مجبور به پذیرش قدرت خود نمود به حدی که در سال ۱۹۴۷ یعنی یک سال قبل از اشغال رسمی فلسطین توسط رژیم صهیونیستی دوره ای از مقابله میان ژنرال های مخفی گروهک های نظامی صهیونیستی ایجاد شده بود که از آن به شورش ژنرال ها تعبیر می کنند. [۱۷]

هدف بن گوریون در این دوره ایجاد یک وحدت نسبی در نیروهای نظامی و شبه نظامی و تروریستی موجود تحت فرماندهی هاگانا یعنی گروه تروریستی و شبه نظامی خودش بود که زمینه به قدرت رسیدن او در رژیم غاصب بعدی را فراهم سازد. البته او در این اقدام تقریباً موفق شد.

جنایات دیر یاسین



جنسی، مثله کردن، پاره کردن شکم زنان باردار و منفجر کردن منازل نیز رخ داد» [۱۸]. یعنی در این جنایت بیش از یک سوم افراد این ده به فجیع ترین اشکال ممکن کشته شدند.

انفجار هتل ملک داوود در قدس

یکی دیگر از موارد آشکار شده فعالیت‌های تروریستی هاگانا - که چون علیه خود انگلیسی‌ها بوده است آن را آشکار کرده‌اند- انفجار هتل ملک داوود در قدس بود. این انفجار در سال ۱۳۲۴ و در تسویه حساب با نیروهای انگلیسی صورت گرفت. در این باره نوشته‌اند: گروهک تروریستی هاگانا به رهبری بن‌گوریون در ۲۲ جولای ۱۹۴۶ مرکز فرماندهی ارتش انگلیس و آرشیبو بسیاری از اقدامات آژانس یهود در فلسطین را که در هتل ملک داوود در بیت

به طور معمول نقش گروه‌های تروریستی منخفی از جمله هاگانا کاملاً مشخص نمی‌شود، جنایاتی توسط هاگانا انجام شده که قابل کتمان و استتار نبوده است. نقش گروه هاگانا در جنایات دیر یاسین از جمله مسائلی است که بر ملا شده است. «دیر یاسین نام دهی کوچک نزدیک قدس می‌باشد. تعداد ساکنان این ده در سال ۱۹۴۸ نزدیک به ۷۰۰ نفر بودند. در ۱۰/۴/۱۹۴۸ این ده شاهد هجوم ۳ گروه مسلح به نام ایرگون به سرکردگی مناخیم بگین، گروه شتیرن به سرکردگی اسحق شامیر و گروه هاگانا به سرکردگی دیوید بن‌گوریون بود. در این یورش که با مقاومت ساکنان ده همراه بود ۲۵۰ نفر که بیشتر آنها را زنان، کودکان و سالمندان تشکیل می‌داد کشته شدند. همچنین در این حمله فجایع دیگری از جمله تجاوز



از دیگر اقدامات تروریستی گروه هاگانا انفجار هتل سمیرامیس در ۵ ژانویه ۱۹۴۸ بود که در آن عده زیادی کشته شدند. هدف گروهک تروریستی بن گوریون، هاگانا، از این اقدام ایجاد رعب عمومی در میان اعراب و تلاش برای اخراج آنها از مناطق مسکونی خودشان بود. [۲۰]

جنایات علیه اعراب مصر و الجزایر

بن گوریون در رابطه با آمریکا ضعیف عمل می کرد و گرایش سیاسی او بیشتر به سمت شوروی و فرانسه بود. او روابط خوبی با فرانسه در هنگام سرکوب انقلاب الجزایر داشت و در سال ۱۹۵۶ نیز با این که نخست وزیر نبود. در ورود رژیم صهیونیستی در جنگ

المقدس قرار داشت را منفجر کردند. برخی از تحقیقات نشان می دهد که این انفجار گامی مهم در اشغال تدریجی فلسطین محسوب می شده است و گروه های تروریستی ایرگون و اشترون نیز در آن دست داشته اند. این انفجار با ۳۵۰ کیلوگرم مواد منفجره، انجام شده است که طی آن هتل به طور کلی ویران شد. [۱۹]

ذکر این نکته ضروری است که وقتی جنایت کاران صهیونیست هاگانا اسلحه خود را علاوه بر فلسطینیان به سوی انگلیسی ها نیز نشانه رفتند، انگلستان به افشای نقش تروریستی آنها روی آورد.

انفجار هتل سمیرامیس

و از رویکردهای او و گروه هاگانا به صراحت با الفاظ « تروریستی و فاشیستی » یاد می‌کند. [۲۲]

پایان حیات و مرگ بن گوریون

بن گوریون تا سال ۱۹۷۰ عضو کنیست اسرائیل باقی مانده بود. او دوره‌هایی از حیات خویش را در کیبوتص (kibbutz) یهودیان در اسرائیل زندگی کرد. در این مجموعه زندگی به صورت کمونیستی به حالت اشتراک در همه چیز (حتی خانواده) اداره می‌شود. این مراکز که میراث گرایشات کمونیستی سران صهیونیسم است در واقع معادل مراکز کمونیستی در شوروی سابق است که در آن مالکیت و خانواده و فرزندان و ... همه به صورت اشتراکی اداره می‌شود. [۲۳]

دیوید بن گوریون پس از عمری تلاش جنایت‌آمیز برای تحقق اهداف صهیونیسم در ۱ دسامبر ۱۹۷۳ در یکی از کیوتص‌های اسرائیلی درگذشت. اما سران رژیم صهیونیستی جای او را در رهبری گروهک‌های تروریستی و نظامیان مخفی که مسوولیت ترور و کشتار را برعهده دارند پر کردند. به نحوی که هم اکنون نیز بسیاری از رهبران رژیم صهیونیستی در این سازمان‌های تروریستی مسوولیت‌هایی برعهده دارند. [۲۴]

میان مصر از یک سو و فرانسه و انگلیس از سوی دیگر بر علیه مصر تاثیر داشت.

غیر قابل بودن جنایات تروریستی گروه بن گوریون

جنایات تروریستی گروه هاگانا به حدی جدی و غیر قابل انکار است که کافی است به دایره المعارف بریتانیکا ذیل همین مدخل مراجعه نمایید تا به فهرست بلند بالایی از جنایات این گروه در کنار دیگر گروه‌های تروریستی یهودیان صهیونیست دست یابید. [۲۱]

افشای خوی فاشیستی گوریون توسط یک فاشیست دیگر

بن گوریون در سالهای آخر حضور انگلیسی‌ها در فلسطین هاگانا را به یک سازمان تروریستی بسیار خشن تبدیل کرد که با گروه‌های تروریستی دیگری مانند ایرگون و اشترن برابری می‌کردند. نکته قابل توجه این است که این گروه‌ها در همان زمان به داشتن گرایشات فاشیستی و سرکوبگرانه و جنایت‌های مکرر برای دستیابی به اهداف خود مشهور بودند. این جنایات بن گوریون به حدی آشکار بوده است که مناخیم بگین در کتاب خاطرات خویش به صراحت به این امر اعتراف کرده

به فرزندان خود خواهند گفت که جنایت کاران تاریخ با آنها چه کردند و آتش ششم نسل‌های بعدی عاقبت ریشه ظالمان را خواهد سوزاند.

پی‌نوشته‌ها:

[1] - Zev Chafets (2008). A Match Made in Heaven: American Jews, Christian Zionists, and One Man's Exploration of the Weird and Wonderful Judeo-Evangelical Alliance

[2] - <http://www.vision.org/visionmedia/biography-david-ben-gurion/5810.aspx>

[3] - <http://jafi.org/JewishAgency/English/Jewish+Education/Compelling+Content/Eye+on+Israel/Gallery+of+People28%+Biographies29%/David+Ben+Gurion.htm>

[4] - <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/60297/David-Ben-Gurion>

[5] - <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/60297/David-Ben-Gurion>

[6] - <http://www.adespicabletruce.org.uk/page87.html>

[7] - http://en.wikipedia.org/wiki/David_

پیروان فاسد؛ ثمره حیات ننگین

جنایات و فساد گستری بن گوریون و گروه وی یعنی هاگانا، پس از پایان یافتن حیات ننگین وی نیز ادامه یافت. به عنوان مثال پیروان بن گوریون در عرصه مجازی نیز برنامه‌ای تحت عنوان هاگانا راه اندازی کرده‌اند که هدف آن ترویج فساد و سایت‌های مستهجن در میان مسلمانان است. [۲۵]

پایان کلام؛ جمله مشهور بن گوریون

در خاتمه بحث خالی از لطف نیست که به یکی از مشهورترین جملات این جنایتکار اشاره کنیم. بن گوریون در سال ۱۹۴۸ و در اوج کشتار فلسطینیان و ایجاد رعب و وحشت برای فرار آنها از سرزمینشان جمله مشهوری در ترغیب همکارانش به جنایت علیه فلسطینیان برای اشغال سرزمین آنها داشته است که امروزه به صورت یک ضرب المثل در عملیات روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. او خاطر نشان ساخته بود: «ما باید هر کاری لازم است انجام دهیم که دیگر هیچ فلسطینی‌ای به این سرزمین باز نگردد. البته آنها باز نخواهد گشت چرا که «پیران می‌میرند و جوانان فراموش خواهند کرد» [۲۶]. (The old will die and the young will forget)

اما بن گوریون فراموش کرده بود که گاهی پدران

php?p=244599

[16] http://en.wikipedia.org/wiki/The_General27%27s_Revolt

[17] <http://www.khatteemam.ir/fa/?p=19051>

[18] <http://truthtellers.org/alerts/israelfoundedonterror.htm>

[19] <http://truthtellers.org/alerts/israelfoundedonterror.htm>

[20] <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/251461/Haganah>

[21] <http://guardian.150m.com/palestine/war-criminals.htm>

[22] <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/317247/kibbutz>

[23] <http://tishreen.news.sy/tishreen/public/print/19177>

[24] <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8712290130>

[25] <http://www.arabnews.com/node/220313>

Ben-Gurion

[8] <http://mondoweiss.net/03/2012/we-must-expel-arabs-and-take-their-place-institute-for-palestine-studies-publishes-1937ben-gurion-letter-advocating-the-expulsion-of-palestinians.html>

[9] - http://en.wikipedia.org/wiki/11an_Papp%27s3A9

[10] - http://www.historama.com/online-resources/articles/israel/story_israel_first_independence_day_14_may_1948.html

[11] - <http://www.foreignaffairs.com/articles/52820/william-b-quandt/moshe-sharett-biography-of-a-political-moderate>

[12] http://www.arabtimes.com/portal/article_display.cfm?ArticleID=15220

[13] <http://truthtellers.org/alerts/israelfoundedonterror.htm>

[14] http://en.wikipedia.org/wiki/David_Ben-Gurion#Military_leadership

[15] <http://elqudos.com/vb/showthread>



گلدامایر مادر بزرگ پرستوهای اسرائیل

تاریخ و سیاست یک دولت یا سرزمین را بی شک سیاستمداران و فعالان آن حکومت یا دولت می سازند. اسرائیل همانطور که اساس آن جعلی است سیاستمداران این دولت نیز سرانی منحوس، شوم، جنایتکار و مصداق کامل توجیه و وسیله برای هدف بودند.

از میان سران اسرائیل می توان به گلدامایر اشاره داشت. زنی که در تمام عمر هشتاد ساله خود جز قتل، جاسوسی و جنایت نداشت. گلدامایر علاوه بر این که در یکی از بحرانی ترین ادوار حیات سی ساله حکومت اسرائیل، زمام امور این رژیم را در دست داشته، از بدو تشکیل رژیم صهیونیستی، در سیاست داخلی و خارجی این دولت غاصب نیز نقش مؤثری ایفا کرده است.

گلدامایر کیست؟

گلدامایر مانند دیگر سران رژیم صهیونیستی یک نام مستعار برای یک شخصیت جنایتکار است. به طور معمول قریب به اتفاق صهیونیست های مشهور، به اسامی مستعار خود شهرت دارند بخشی از این امر حاصل آن است که آنها بخش قابل توجهی از زندگی خود را

مشغول به کارهای مخفیانه برای دستگاه های جاسوسی و یا مجموعه های تروریستی متعدد رژیم صهیونیستی و پیش از آن جریان های صهیونیستی بین المللی بوده اند.[۱]

گلدامایر (لاتین:) (عبری: גולדה מאיר) در سوم ماه می ۱۸۹۸ در کیف اوکراین که آن روز جزئی از خاک روسیه تزاری محسوب می شد، در خانواده ای یهودی به دنیا آمد.

پدر خانواده نجاری فقیر و تنگدست بود که تمامی اولاد پسر خود را از دست داد و تنها سه فرزند دختر برای او باقی ماند. گلدامایر در خانواده خود دو زبان عبری و انگلیسی را فرا گرفت.[۲]

وی در دوران نوجوانی با خانواده خود به آمریکا



با اینکه خانواده علاقه داشتند که وی به شغل منشی‌گری بپردازد وی در مدرسه‌ی میلواکی به حرفه‌ی معلمی و آموزگاری پرداخت. وی در ابتدای جوانی یعنی دقیقاً زمانی که ۱۷ سال داشت؛ همزمان با شغل معلمی عضو محوری اما غیر رسمی حزب کارگر صهیونیستی شد. [4]

او بعدها به فلسطین مهاجرت کرد و در یک کیبوتص به شغل آشپزی و معلمی مشغول شد. کیبوتص به مجموعه‌های اشتراکی (کمونیستی) یهودیان صهیونیست گفته می‌شود که در آن زندگی کاملاً به صورت اشتراک در اموال و خانواده و فرزندان و ... صورت می‌گیرد. در کیبوتص‌ها مردان و زنان صهیونیست آموزش نظامی برای سرکوب فلسطینیان می‌دیدند و در حین زندگی اشتراکی برای شرکت در عملیات‌های نظامی در جهت اشغال فلسطین نیز آماده می‌شدند. اولویت فعالیت سیاسی - اجتماعی باعث جدایی گلدامایر از همسرش می‌شود و تا آخر عمر ازدواج نمی‌کند. [5]

مهاجرت کرد و در مدرسه آمریکایی به تحصیل پرداخت. در آن زمان یهودیان جزء اقلیت منفور به حساب می‌آمدند.

در سال ۱۹۰۶ با فروش اموال خود به آمریکایی‌ها روند و در ایالت ویسکانسین اقامت می‌کنند پدر در کارگاه نجاری شروع به کار می‌کند اما هنوز درآمد برای تأمین مخارج خانواده کافی نبود و مادر دکان عطاری کوچکی باز می‌کند و گلدلا که در آن زمان نه ساله داشت مجبور بود بجای رفتن به مدرسه در دکان به مادرش کمک کند. [3]

"گلدلا موبوویچ" که بعدها نام مستعار "گلدلا میپرسون" و سپس گلدلا مایر را برگزید در سال ۱۹۱۲ (در ۱۴ سالگی) از خانه گریخت. این فرار از خانه به بهانه پیوستن به خواهرش در بخش دیگری از آمریکا بود اما گلدلا مایر به خواهرش نیز نپیوست و در همان سنین نوجوانی به جنبش صهیونیستی در دنور آمریکا پیوست. از این رو

فعالیت‌های سیاسی

گلدمایر تا سال 1924 در کمیوتص زندگی می‌کرد و سپس از این مجموعه‌ها خارج و به تل‌آویو مهاجرت کرد. او با فعالیت‌های سیاسی گسترده در نهایت به عضویت ییشوا (Yishuv) یا هاییشوا (Ha-Yishuv) که سازمان مستقر کننده یهودیان در سرزمین‌های اشغالی بود در آمد و در این سازمان جانشین "موشه شاروت" که بعدها نخست وزیر اسرائیل شد، بود.

گلدمایر در سال 1921 به عضویت رسمی سازمانی صهیونیستی که مأموریت اصلی این سازمان تشویق یهودیان برای مهاجرت به فلسطین بوده؛ درآمد. [6]

گلدما با مهاجرت به بیت‌المقدس، فعالیت‌های سیاسی خود را ادامه می‌دهد و با شرکت در جلسات فدراسیون کارگران یهود و انجام مأموریت‌هایی، در سال 1928 به عنوان دبیر اتحادیه کارگران یهود انتخاب می‌گردد. در سال 1934 در هیئت اجرایی فدراسیون کارگران یهود مشغول به کار شد و در سال 1940 نیز رئیس دفتر سیاسی این فدراسیون شد.

"بن‌گوریون" اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی، با پایان جنگ جهانی دوم و افزایش تلاش‌ها برای تشکیل دولت یهودی، به آمریکا رفته و با کمک 50 میلیون دلاری به فلسطین بازمی‌گردد و نخستین سازمان نظامی یهودی به نام هاگانا تأسیس می‌شود.

پس از تشکیل هاگانا، مایر به مأموریتی سری برای ملاقات با ملک عبدالله فرستاده می‌شود.

مایر سه دوره ملاقات با ملک عبدالله برگزار می‌کند و از وی تضمین‌هایی برای تشکیل کشور اسرائیل می‌گیرد. ملک عبدالله به وی تضمین می‌دهد که به کشور در حال تشکیل اسرائیل حمله‌ای صورت نگیرد اما تضمینی نمی‌دهد که کشورهای دیگر به اسرائیل حمله نکنند. مایر در پاسخ به سؤال ملک عبدالله در مورد عجله آنها برای تشکیل دولت یهودی می‌گوید: "ما دو هزار سال برای تشکیل دولت یهود صبر کرده‌ایم، باز هم می‌گویید عجله داریم؟" [7]

پس از اعلام موجودیت اسرائیل، شوروی اولین کشوری بود که رژیم یهودی را به رسمیت شناخت. بن‌گورین به دلیل اصلیت روسی گلدما، از وی می‌خواهد که به عنوان اولین سفیر اسرائیل به شوروی برود. وی در شوروی با استقبال گرم یهودیان این کشور روبرو می‌شود. پس از بازگشت از شوروی، در کابینه بن‌گورین، به عنوان وزیر کار و تامین اجتماعی فعالیت خود را ادامه می‌دهد. [8]

مایر سپس به سمت وزیر خارجه کابینه منصوب می‌شود. بن‌گورین در دفاع از انتخاب خود و در پاسخ به انتقادات از انتخاب یک زن، گلدما را "تنها مرد کابینه اسرائیل" می‌نامد.

او در 1949 به عضویت کنیست اسرائیل در آمد و تا سال 1974 به طور مداوم در این مجلس عضو بود. پیش از رسیدن به پست وزارت خارجه مدتی سفیر اسرائیل در روسیه و نیز مامور جمع‌آوری کمک‌های یهودیان آمریکا به اسرائیل بود که در این مأموریت نقشی جدی



ایفا کرد. او پیش از نخست وزیر به وزارت کار و سپس وزارت خارجه اسرائیل رسید. از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ چهارمین نخست وزیر اسرائیل بود. [۹]

مسئولیت های وی به عنوان یکی از عناصر اصلی رژیم اسرائیل:

■ رئیس هیات مدیره صندوق بیماری کارگران

■ رئیس اداره سیاسی فدراسیون کارگری

■ عضو هیات نماینده کمیته اقدام حزب «ماپای» در سازمان جهانی صهیونیسم

■ فعالیت در شرکت مقاطعه کاری و خدمات عمومی وابسته به هیستادروت

■ وزیر کار و بیمه اجتماعی

■ وزیر امور خارجه

■ دبیر کل حزب ماپای

■ نخست وزیر اسرائیل

■ هیات اجرایی و دبیرخانه فدراسیون کارگری

■ رئیس اداره سیاسی آژانس یهود ویژه فلسطین (بیت المقدس)

■ نماینده کنست

■ وزیر مختار اسرائیل در اتحاد جماهیر شوروی

■ دبیر شورای کارگری زنان هیستادروت

■ عضو هیات نمایندگی آمریکا در کنگره جهانی یهود

■ عضو شورای مشورتی اقتصاد زمان جنگ حکومت قیمومت فلسطین [۱۰]

اقدامات و جنایات گلدامیر

او در این سال ها توانست در رأس تشکیلات مالی سازمان های یهود، میلیون ها دلار برای مسلح کردن اسرائیل آتی جمع آوری کند. مایر حتی پس از ازدواجش، به صورتی جدی یا سمبلیک، از طریق فحشا و خودفروشی تلاش می کرد پول بیش تری برای تشکیلات مخفی صهیونیست ها به دست آورد.

نقش اصلی مایر در جنگ معروف به یوم کیپور

حمله به اسرائیل را کسب کند. همچنین مایر توانست به برخی تاسیسات نظامی اردن نیز وارد شود و اطلاعات ارزشمندی را کسب کند. [12]

پیش از اعلام رسمی تشکیل اسرائیل و نطق بن گورین، مایر به سرزمین‌های اشغالی بازگشته و در دیدار با سران این رژیم، آن‌ها را از برنامه حمله اردن به اسرائیل مطلع می‌کند. جاسوسان دیگر اسرائیلی نیز اطلاعات مشابهی را از مصر و سوریه بدست می‌آورند و بدین ترتیب اسرائیل در اولین جنگ خود با همسایگان عربش، پیروز می‌شود.

از مایر با عنوان مادر بزرگ اسرائیل یاد می‌شود. وی از جمله کسانی بود که در تشکیل رژیم یهودی تلاش بسیاری کرد. گلدای مایر دروغ‌گوی بزرگ اسرائیل و کسی است که دروغ بزرگ او در مورد نفی وجود فلسطینیان در تاریخ بشر

نمود پیدا می‌کند و وی با وجود شکست سنگین ابتدایی نیروهای اسرائیلی، اعلام بسیج عمومی می‌کند اما بدلیل زمان بردن فراخوان نیروهای ذخیره، از آمریکا و دولت نیکسون درخواست کمک می‌کند و آمریکا به نفع اسرائیل وارد جنگ می‌شود. مایر 6 ماه بعد از یوم کیپور از مقام خود استعفا می‌دهد. [11]

رژیم صهیونیستی بدلیل آگاهی از احتمال حمله کشورهای عرب همسایه، پیش از اعلام تشکیل کابینه یهود، جاسوسانی را به کشورهای مصر، اردن، سوریه و لبنان فرستاده بود. مایر یکی از این جاسوس‌ها بود که در پوشش یک توریست اهل شوروی، وارد اردن شد و در نزدیکی محل اقامت فرماندهان نظامی و افسران اردنی مستقر شد. پس از مدتی و با رفت و آمدهای بسیار، توانست با برخی از این افسران طرح دوستی ریخته و وارد مجالس آنها شود.

وی با استفاده از حربه تن‌فروشی، توانست اطلاعات بسیاری از جمله تصمیم اردن برای





ماندگار شد. [۱۳]

مایر در دوره نخست وزیری خویش به بهانه مقابله با تروریسم و تلافی ماجرای المپیک مونیخ ۱۹۷۲ دستور داد همه رهبران گروه‌های مخالف اسرائیل را ترور نمایند. این یکی از موارد روشن تروریسم صریح دولتی اسرائیل است که به بهانه مقابله با تروریسم صورت گرفت اما در این برنامه اسرائیل برای خود این مجوز را قائل شد که به هر کسی که مشکوک است حمله کند و همه مخالفان سیاسی و ... خود را ترور نماید. [۱۵]

در عملیات‌های تروریستی رسمی و دولتی اسرائیل همه کسانی را که خود متهم به دست داشتن در ماجرای المپیک ۷۲ می‌کرد به اضافه بسیاری دیگر ترور نمود. در این ترورها افرادی که مشخصاً هیچ ربطی به ماجرای مونیخ ۷۲ نداشتند و فقط مخالف رژیم صهیونیستی بودند نیز ترور شدند. سالها بعد "آرون جی کلین" در کتاب خود با عنوان (حمله متقابل) نشان داد که فقط یک نفر از افرادی که اسرائیل در عملیات تلافی جویانه خویش ترور کرده بود به ماجرای المپیک ۱۹۷۲ مربوط بوده است و مابقی فقط از سوی اسرائیل و مقامات آن متهم شده بودند تا

او در مارس ۱۹۶۹ مدعی شد که امکان بازگرداندن سرزمین‌های اشغال شده وجود ندارد چرا که کسی نبوده است که بخواهیم سرزمین را به او برگردانیم. او در ژوئن همین سال دروغ بزرگ خود را چنین بیان کرده بود که «اصلاً چیزی به اسم فلسطینیان وجود ندارد، آنها اصلاً وجود نداشته‌اند.» [۱۴]

همچنین گلدایر در دوران نخست وزیری و مسئولیت خود به علت عقاید نژاد پرستانه شدید و متعصبانه‌ای که داشت و نیز به واسطه مشارکت در جنایات متعدد علیه بی‌گناهان مورد انتقاد بوده است.

او به عنوان یکی از رهبران اصلی اسرائیل که از نژاد پرستی رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی حمایت می‌کرد شهرت دارد و دیگر دستورات نژاد پرستانه و جنایت‌کارانه او در دوران مسوولیتش نیز در این متن مورد بحث قرار گرفته است.

مهاجرت اجباری می‌دانند. در دوران او سیاست نژاد پرستانه فراوانی توسط دولت اسرائیل به کار گرفته شد که علاوه بر مهاجرت اجباری فلسطینیان، دستگیری رندوم و بدون ضابطه و زندانی کردن آنها، جداسازی مناطق زندگی عرب‌ها از یهودیان، اخراج عرب‌های کم‌تعداد باقی‌مانده در سرزمین‌های اشغالی از مدارس که به یهودیان اختصاص داده شده بود، و حتی بستن برخی از خیابان‌ها بر روی عرب‌ها و ممنوعیت ورود آنها به خیابان‌های خاص از جمله سیاست‌های نژادپرستانه دوران گلدا می‌ر در سرزمین اشغالی بود.

او در یک کنفرانس بین‌المللی صراحتاً بیان داشته بود: (من به صراحت بیان می‌کنم که خواهان اخراج همه عرب‌ها از اسرائیل هستم و در بیان این امر کاملاً صریح عمل می‌کنم). [17]

پی‌نوشته‌ها:

[1] - <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/373437/Golda-Meir>

[2] - <http://history1900s.about.com/od/people/a/Golda-Meir.htm>

[3] - http://womenshistory.about.com/od/rulers20thcentury/a/golda_meir_bio.htm

[4] - <http://judaism.about.com/od/jewishleaders/a/goldameir.htm>

[5] - http://www.buffalonews.com/20130523/jcc_hosts_work_by_prolific_israeli_photographer_rudi_weissenstein.html



به این بهانه به قتل برسند.

همچنین گلدا می‌ر در فوریه سال ۱۹۷۳ شخصاً دستور حمله به یک هواپیمای مسافربری لیبایی را صادر نمود که طی آن ۱۰۷ سرنشین هواپیما کشته شدند. این دستور که او به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل صادر کرده بود یکی از موارد آشکار جنایت علیه بی‌گناهان و غیر نظامیان و از مصادیق آشکار تروریسم دولتی بود چرا که هدف گلدا می‌ر تأثیر گذاری بر جریان‌های سیاسی منطقه با ایجاد رعب و وحشت بود. [۱۶]

این اقدام او به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل از سوی منتقدان او به عنوان یک آبروریزی تمام عیار مطرح می‌شود. شاید به علت دستورات جنایت آمیزی از این دست است که او را به عنوان «زن آهنین اسرائیل» نام می‌برند.

از طرف دیگر گلدا می‌ر را از اصلی‌ترین طرفداران پاکسازی نژادی در فلسطین اشغالی و از میان بردن فلسطینیان و یا مجبور کردن آنها با



[php/newsroom/statements/-422goldameir-milwaukee-s-hero-is-no-hero-to-palestinians](http://newsroom/statements/-422goldameir-milwaukee-s-hero-is-no-hero-to-palestinians)

[14] - How can we return the occupied territories? There is nobody to return them to." (Prime Minister Golda Meir, March ,8 1969.)

"There was no such thing as Palestinians, they never existed." (Golda Maier, June ,15 1969)

[15] - http://en.wikipedia.org/wiki/Operation_Wrath_of_God

[16] - <http://alethonews.wordpress.com/21/02/2012/in-memorial-libyan-airlines-flight114-/>

[17] - <http://www.arabnews.com/node/220313>

[6] - <http://goldameir.org.il/archive/home/he/1229437943/4.html>

[7] - <http://jewishmag.com/49mag/goldameir/goldameir.htm>

[8] - http://www.eilatgordinlevitan.com/pinsk/pinsk_pages/pinsk_stories_g_meir.html

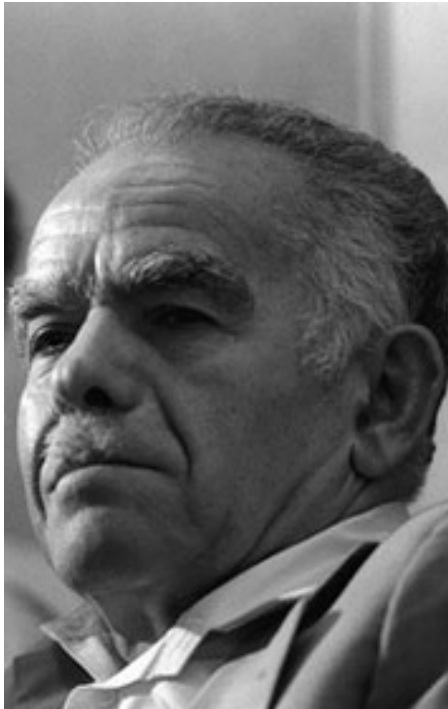
[9] - http://en.wikipedia.org/wiki/Golda_Meir

[10] - he.wikipedia.org/wiki/גולדה_מאיר

[11] - <http://www.jpost.com/National-News/Forty-years-later-Golda-Meir-and-the-Yom-Kippur-War325853->

[12] - <http://www.arabnews.com/node/220313>

[13] - <http://www.ampalestine.org/index>



اسحاق شامیر نژادپرستی تمام‌عیار

دیدبان: اسحاق شامیر مانند بسیاری از سران رژیم صهیونیستی یک نام مستعار است. نام اصلی این فرد اسحاق جزیرنسکی (Icchak Jeziernicky) و مطابق برخی از منابع دیگر اسحاق یرنیتسکی (Yitzhak Yernitsky) بوده است که بعدها نام خود را به اسحاق شامیر (Yitzhak Shamir) تغییر داده است. [۱]

او در سال ۱۹۱۵ در روستایی در روسیه آن زمان (در منطقه بلاروس کنونی) به دنیا آمد و در سال ۲۰۱۲ به درک واصل شد. [۲]

شامیر در ورشو حقوق خواند. او در سال ۱۹۳۵ به فلسطین مهاجرت کرد مدتی به عنوان کارگر ساختمای و کتابدار مشغول به کار شد و در سال ۱۹۳۶ به عضویت گروهک تروریستی ایرگون در آمد.

او از بنیانگذاران گروهک لحي (Lohamei Herut Yisrael) یا همان گروه تروریستی اشترن بود که پس از کشته شدن اشترن به ریاست آن گروه رسید. این گروه به زبان عبری لحي نامیده می شود و معنی آن جنگجویان آزادکننده اسرائیل است ("Fighters for the Freedom of Israel - Lehi"). [۳]

هدف از تشکیل این گروه ایجاد یک مجموعه تروریستی و نظامی برای از میان بردن جمعیت های عرب و فلسطینی بوده است. این گروه با ترور و ایجاد رعب و وحشت تلاش داشت تا سرزمین فلسطین را برای اشغال توسط یهودیان صهیونیست آماده سازد.

این گروه یکی از گروهکهای فعال تروریستی یهودیان صهیونیست برای کشتار اعراب فلسطینی و آمادہ سازی این سرزمین برای اشغال و تشکیل رژیم جعلی صهیونیستی بوده



۱۹۴۸ اتفاق افتاد. او در یک صبح بهاری بدون هیچ اخطار قبلی پیشاپیش گروه تروریستی «اشترن» همراه مناخیم بگین، سرکرده گروه تروریستی «ایرگون»، به دهکده با صفای «دیر یاسین» واقع بر ارتفاعات مشرف به اورشلیم پا گذاشت و تا پیش از غروب آفتاب منطقه‌های فلسطینی با پشتوانه قرن‌ها حیات متمدنانه را از هستی ساقط کرد و با خاک یکسان نمود.[۶]

اسحاق شامیر و همدستانش در دیر یاسین یکی از سیاه‌ترین فجایع بشری را به نام خود ثبت کردند و پس از سلاخی و تجاوز به دست کم ۱۰۰ زن و کودک فلسطینی تا عصر آن روز، شب هنگام این کشتار را در همان نزدیکی جشن گرفتند.[۷]

است. گروه تروریستی لچی در سال ۱۹۴۰ از گروه ایرگون جدا شد و به صورت مستقل به انجام عملیات پرداخت. این گروه رسماً جهت گیریه‌ای چپ مارکسیستی داشت.[۴]

شامیر در سال ۱۹۴۱ به علت اقدامات تروریستی دستگیر و مدتی زندانی شد، اما با کمک گروه‌های تروریستی فعال در فلسطین اشغالی از زندان گریخت و دوباره به فعالیت‌های سابق مشغول شد. او در آگوست ۱۹۴۴ در ترور لرد موین، وزیر مقیم انگلستان در خاور میانه نیز دست داشت.[۵]

کشتار دیر یاسین، ننگی بر پیشانی شامیر

یکی از معروف‌ترین جنایات بگین در سال



شدند موقعیت
استراتژیک دیر
یاسین واقع بر
ارتفاعاتی که تل
آویو را به اورشلیم
متصل میکرد زمینه
را برای اصطلاحا

«عرب زدایی» و

چه بسا هستی زدایی این منطقه استراتژیک
فراهم کرد. [۸]

چند ماه از این کشتار نگذشته بود که یهودیان
صهیونیست مهاجر از لهستان، رومانی و
اسلوآکی وارد دیر یاسین شدند. یک سال
بعد آهنگ موسیقی در سراسر این روستای
مسلماننشین به گوش رسید و جشنهایی در
آن بر پا شد که میزبان صدها نفر از دولتمردان
اسرائیل و خاخامهای یهودی صهیونیست بود
و رئیس جمهور اسرائیل، تلگراف تبریکی را
به مناسبت افتتاح شهرک صهیونیستی جیفات
شاول بیت به روستای دیر یاسین ارسال کرد!
به مرور زمان قدس گسترش یافت و دیر یاسین
نیز به نواحی اطراف قدس پیوست. [۹]

یکی دیگر از اقدامات شامیر در سال ۱۹۴۸
طراحی و اجرای عملیات دلتا بود؛ عملیاتی که
در توصیف آن خاطر نشان ساخته اند: هدف
از این عملیات ارباب گسترده فلسطینیان بود.

در روزهای پیش از اعلان رسمی تشکیل رژیم
جعلی اسرائیل با اینکه تنش میان مهاجران
یهودی و نیروهای چند ملیتی عرب که برای
باز پس گیری اراضی اشغالی میجنگیدند
بالاگرفته بود، اما دهکده دیر یاسین و حدود
۷۵۰ ساکن آن به رفتار صلحآمیزشان با سایرین
معروف بودند. دهکده خارج از محدودهای
قرار داشت که قطعنامه تحمیلی سازمان ملل
به عنوان اراضی اسرائیلی به رسمیت شناخته
بود و علاوه بر این، فلسطینیهای این منطقه
به صلح نامه‌ای که با شهرک نشینهای یهودی
اطراف داشتند پایبند مانده بودند و حتی چند
بار گروههای مسلح فرستاده عبدالله، شاه اردن،
را بیرون کرده بودند. در واقع، جرم آنها از نگاه
دار و دسته آدمکش ایرگون، «زنده بودنشان»
بود.

طبق اسنادی محرمانه که سالها بعد توسط ارتش
اسرائیل (که همین گروه تروریستی جزو هسته
های اولیه اش بود) به صورت پراکنده منتشر



بحرورت انتخاب شد و در سال ۱۹۸۰ به نمایندگی مجلس هشتم انتخاب گردید. پس از پیروزی جناح لیکود در سال ۱۹۷۷ به ریاست مجلس انتخاب شد و در سال ۱۹۷۸ از تأیید و تصویب توافقنامه کمپ دیوید خودداری کرد. در سال ۱۹۸۰ وزیر امور خارجه شد و پس از تصمیم مناخیم بگین در سال ۱۹۸۳ مبنی بر کناره‌گیری از سیاست، وی به عنوان نخست‌وزیر و رهبر حزب لیکود جانشین او شد. بعد از انتخابات سال ۱۹۸۴ مجلس، با شیمون پرز رهبر وقت حزب کارگر برای ریاست دوره‌ای دولت به توافق رسید و بدین ترتیب تا سال ۱۹۸۶ به عنوان معاون شیمون پرز نخست‌وزیر و نیز وزیر امور خارجه انجام وظیفه کرد. سپس، تا انتخابات سال ۱۹۸۸ عهده‌دار امور نخست‌وزیری بود. در پی انتخابات سال ۱۹۸۸، از طریق ائتلاف با حزب

به این منظور باید مراکز اصلی جمعیتی آنها تحت بمباران قرار می‌گرفت و خانه‌ها آتش زده میشد و اموال و کالاها در معرض انفجار قرار می‌گرفت و در نهایت اقدامی میشد که از بازگشت هر یک از ساکنان این منطقه برای همیشه جلوگیری شود. [۱۰]

رشد سیاسی شامیر از طریق موساد

شامیر از ابتدای تاسیس کشور اسرائیل به سازمان «موساد» [سازمان اطلاعات مرکزی اسرائیل] پیوست و تا سال ۱۹۶۵ در سمت‌های گوناگون و رده بالایی آن سازمان فعالیت داشت. پس از آن تا سال ۱۹۷۰ به عنوان مدیر کارخانه در شهرک «کفر سانا» مشغول فعالیت شد و سپس به حزب «حروت» پیوست. در سال ۱۹۷۳ به ریاست کمیته اجرایی حزب



نقش آن نقشی اساسی است.

از مصادیق نژادپرستی آشکار شامیر میتوان به اظهارات اعتراضبرانگیز او اشاره کرد که به صراحت از لزوم کشتار بیرحمانه غریهودیان به خصوص فلسطینیان سخن میگفت. به نحوی که در سخنرانی مشهور خود در یک شهرک صهیونیستی خاطر نشان ساخت:

"The Palestinians" would be crushed like" grasshoppers ... heads smashed against the boulders and walls." " Israeli Prime Minister (at the time) in a speech to Jewish settlers
۱۹۸۸، ۱ New York Times April

«فلسطینیان را باید مثل ملخ له کرد. کله آنها را باید به دیوار و سنگ کوبید.» (اسحاق شامیر، اول آوریل ۱۹۸۸، نخست وزیر رژیم صهیونیستی).

کارگر تا سال ۱۹۹۰، سپس ائتلاف با احزاب مذهبی تا سال ۱۹۹۲؛ یعنی هنگامی که تصمیم به کناره گیری از فعالیت های سیاسی گرفت، دولت را در دست داشت. [۱۱]

شامیر و نژادپرستی وی

اسحاق شامیر را باید یک نژادپرست صهیونیست تمام عیار دانست. کسی که به صراحت به عنوان یک تروریست و یک نژاد پرست شناخته شده است. او به صراحت بیان داشته بود:

First and foremost, terror is for us a part of the political war appropriate for the circumstances of today, and its task is a
"major one

اولا و پیش از هر چیز ترور برای ما بخشی از جنگ سیاسی مناسب با شرایط امروز ماست و

ترور دانشمندان
آلمانی در سال ۱۹۶۲
تحت عملیات مخفی
داموکلس بود که بعداً
برملا گردید و باعث
یک رسوایی دیگر برای
رژیم صهیونیستی شد و
در نهایت در سال ۱۹۶۳
منجر به عوض شدن
رئیس موساد گردید.
این عملیات عملیاتی



سری-اطلاعاتی بود
که دانشمندان و تکنسین‌های آلمانی که سابقاً
مشغول کار در برنامه موشکی رایش آلمان
بودند و مشغول توسعه موشک برای مصر در
یک پایگاه نظامی به نام کارخانه ۳۳۳ بودند را
در اوت ۱۹۶۲ هدف قرار داد. اسحاق شامیر
رهبری این عملیات تروریستی را برعهده
داشت. [۱۳]

رشد شامیر در عرصه سیاست سریع و
تعجب برانگیز بود. از این رو، برخی او را
یک تروریست با روابط خیلی خوب سیاسی
در میان رهبران رژیم صهیونیستی میدانند
که توانست به زودی به مشاغل بالایی مانند
سخنگویی کابینه و وزارت و بعدها نخست
وزیری دست یابد.

با توجه به این سوابق او رسماً یک تروریست
محسوب میشد. از این رو او بیشتر دارای سابقه
تروریستی و اقدامات مخفیانه در کشتار افراد
است تا سابقه سیاسی و حضور در احزاب
سیاسی.

شامیر پیش از ورود به عرصه سیاسی رژیم
صهیونیستی از اواسط دهه ۵۰ عضو موساد
بوده است که از فعالیت‌ها او در موساد
اطاعات چندانی در دست نیست. اما گزارش
های موجود تأکید دارند که او مناصب بالایی
در موساد داشته است و احتمالاً در اقدامات
مهم تروریستی این مجموعه دخیل بوده است.
[۱۲]

از موارد شناخته شده فعالیت او در موساد

همکاری شامیر با نازی‌ها

حضور شامیر در ارتش هیتلر نشانه‌ای آشکار بر حمایت و همکاری سطح بالای جامعه یهودیان و صهیونیستها با نازیهاست، اما همین فرد سال‌ها بعد وقتی که در اسرائیل به نخست‌وزیری رسید از دولت آلمان پس از جنگ برای کشتار یهودیان به دست ارتش آلمان غرامت می‌گرفت. در حالی که خود در زمان جنگ در ارتش آلمان خدمت می‌کرد. یهودی شناخته شده دیگر "اوراهام اشترن" معروف به اشترن گانگستر (سرکرده جنبش آزادی اسرائیل) است که در زمان جنگ دوم جهانی پیشنهاد رسمی حمایت از ارتش آلمان در برابر متفقین را مطرح ساخته بود. او نقش و جایگاه والایی نزد یهودیان داشت و اسحاق شامیر سالها جانشین او در جنبش مذکور بوده است. حضور این دو رهبر یهودی در ارتش آلمان و حمایت آنها از نازیها در اوج جریانات فرضیه کشتار جمعی یهودیان توسط هیتلر و نظام هیتلری را دستخوش تردید جدی می‌کند، چرا که در صورت پذیرش این فرض باید این رهبران مورد احترام صهیونیستها و یهودیان را خائنانی به یهود دانست که رسماً از کشنده یهودیان اعلام حمایت کرده‌اند.

رهبران یهودی حامی هیتلر به این دو نفر منحصر نمی‌شود. امیل موریس، از دوستان نزدیک هیتلر، نیز از یهودیان سرشناس بود.

موریس که در دوره‌ای به همراه هیتلر در زندان به سر برده بود، بعدها در هنگام رهبری هیتلر در حزب نازی، نفر دوم اس‌اس (SS) شد. او در میان اس‌اس‌ها پس از هیتلر قدرت‌مندترین شخص شناخته می‌شد. [۱۴]

کناره گیری شامیر از قدرت و فرار سیدن مرگ وی به دلیل آلزایمر

شامیر پس از شکست حزب لیکود در انتخابات کنست در سال ۱۹۹۲، بعنوان یک نماینده ساده به کار خود ادامه داد و سرانجام در سال ۱۹۹۶ از فعالیت‌های سیاسی کنار رفت؛ او در سال ۲۰۱۲ به دلیل بیماری آلزایمر مرد. [۱۵]

جمع بندی

اسحاق شامیر نیز به مانند بسیاری از سران رژیم صهیونیستی اقدامات تروریستی خود را از گروههای کوچک تروریستی آغاز کرد و سپس به عضویت موساد درآمد و رهبری عملیتهای مهمی را در این سازمان اطلاعاتی تروریستی به عهده داشت. بر اساس همین سوابق تروریستی درخشان! او توانست به سمتهای سیاسی و دیپلماتیک مهمی دست پیدا کند و سرانجام، به نخست وزیری رژیم صهیونیستی دست پیدا کند. شامیر یک نژادپرست به تمام عیار بود و همیشه به این خوی حیوانی خود معترف بود.

[10/04/1992/- [10/- <http://www.jta.org/archive/delta-sues-to-fly-on-shabbat>

[11]https://www.knesset.gov.il/mk/eng/mk_eng.asp?mk_individual_id_t

[1311440/- [12/yitzhak-shamir-former-pm-and-head-mossad-dies-<http://www.demotix.com/news/96>

[01/07/2012/- [13/<http://www.jta.org/news-opinion/obituaries/timeline-remembering-yitzhak-shamir>

[14] - http://www.ihr.org/jhr/v13/v13n4p29_Weber.html

[15] - <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/133517>

پی نوشت ها:

[1]http://en.wikipedia.org/wiki/Yitzhak_Shamir

[2]<http://www.haaretz.com/news/national/former-israeli-prime-minister-yitzhak-shamir-dies-at>

[3]https://www.knesset.gov.il/mk/eng/mk_eng.asp?mk_individual_id_t

[4]<http://www.mod.gov.il/pages/heritage/Awards.asp>

[5]<http://www.jomhourieslami.com/13910414/13910414/1391>

[6] -<http://consortiumnews.com/02/07/2012/yitzhak-shamir-the-well-liked-terrorist/>

[7] -<http://www.telegraph.co.uk/news/obituaries/9367470/Yitzhak-Shamir.html>

[8]<http://www.independent.co.uk/news/obituaries>

[9]<http://www.countercurrents.org/aklehl50413>



موشه دایان صهیونیست مسلمان کش

موشه دایان را می توان از جمله شخصیت های صهیونیستی دانست که در فلسطین اشغالی به دنیا آمد و در این خاک نیز به هلاکت رسید. وی همانند سایر سردمداران رژیم غاصب از ارتش و نظامی گری وارد سیاست شد و برای رسیدن به اهداف خود در این عرصه، از ابزارهای خشن و ترور نیز استفاده می کرده است.

شد. او از نوجوانی به کار جنایت و کشتار وارد شد. [۱]

در ۱۴ سالگی به گروهک تروریستی هاگانا که توسط برخی از رهبران یهودی آن زمان اداره می شد وارد شد و پس از مدتی آموزش در اقدامات مسلحانه به کار گرفته شد.

پدرش «شموئیل دایان» بود که در حدود صد سال پیش به فلسطین مهاجرت کرده بود از این رو موشه دایان در خاک فلسطین اشغالی به دنیا آمد و در این خاک نیز مرد. وی در شش سالگی به همراه خانواده اش به «موشاو اول» (اولین دهکده تعاونی) نقل مکان کرد. [۲]

جریان های صهیونیستی در اواخر دهه ۳۰

وی چهره ای کریه و زشت از خود به جای گذاشت که با هیچ عنوانی قابل پاک شدن نیست. دایان در اکثر لحظات حساس تاریخ رژیم صهیونیستی حضور داشته و تلاش کرده با حداکثر رساندن منافع اسرائیل، دین خود را ادا نماید. در ذیل به زندگی سراسر جنایت این فرد مرووری داریم .

موشه دایان کیست؟

موشه دایان (در عبری: משה דיין) (در انگلیسی: Moshe Dayan (Kitaigorodsky)) در سال ۱۹۱۵ در شهرک "دیجانیای کفوتره" متولد شد. موشه دایان که ظاهرا نام اولیه او کیتاگورودسکی (Kitaigorodsky) بوده است، در ۲۰ می ۱۹۱۵ در فلسطین اشغالی متولد



موشه دایان خود متذکر شده است که از دست دادن یک چشم برای او ایجاد یک مشکل روانی کرد و او تا مدت‌ها از این که یک چشم بند سیاه برای چشم نابینا شده اش به کار ببرد ناراحت بود. در دوره نوجوانی زمانی که دقیقاً ۱۴ سال داشت، یعنی دوره ای که فلسطین تحت قیمومیت انگلیس بود به جرم حمل اسلحه غیر مجاز به ده سال زندان حکومت محکوم شد. اما در سال ۱۹۴۱ از زندان آزاد شد، با این هدف که فرماندهی واحدی از سازمان‌ها هاگانا را برای شرکت در عملیات ارتش انگلیس بر علیه نیروهای «ویشی» (فرانسوی) مستقر در لبنان به عهده گیرد. [۵]

در جریان جنگ جهانی دوم در لبنان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و چشم چپش را از دست داد و از آن زمان به بعد «چشم بند» وی به عنوان علامت ویژه اش محسوب می‌شد. [۶]

از چاقوکشی تا نخست‌وزیری

دایان برای دوره های مختلفی فرمانده نیروهای

در ادارات انگلیسی حاکم بر فلسطین نفوذ کرده بودند و با هماهنگی انگلیسی ها آماده اشغال فلسطین می شدند. یکی از این موارد جذب برخی از فعالان تروریستی هاگانا به پلیس انگلیسی بود که موشه دایان نیز در این زمینه در سال ۱۹۳۸ وارد پلیس شد و در آنجا تحت فرمان یک آدم کشی حرفه ای انگلیسی و یک صهیونیست افراطی به نام اورده چارلز وینگیت (Orde Charles Wingate) به سرکوب فلسطینیان مشغول شد. [۳]

وینگیت یک گردان ویژه رزم شبانه که در آن به فلسطینیان و عرب ها حمله می کردند ایجاد کرد. وینگیت معتقد بود که مسیحیان موظف هستند برای انجام وظایف دینی خود به ایجاد حکومت صهیونیست ها خدمت کنند.

او در یک درگیری رد همین زمینه در سال ۱۹۴۱ چشم خود را از دست داد. و چهره ظاهری او از آن سال همانند چهره واقعی او یک جنایتکار خشن و آدم کش حرفه ای شد. [۴]



را بکشیم، فوراً آرام می‌شوند. به من اعتماد کنید. من تجربه عظیمی در این زمینه دارم.»

او که در دهه ۱۹۷۰ از سوی «موشه دایان» وزیر جنگ وقت به عنوان فرماندار نظامی اسرائیل در غزه منصوب شد. وی با بیان اینکه تجربه زیادی در کار با اعراب دارد، به کانال ۲ تلویزیون اسرائیل گفت: برای هر راکتی که آن‌ها شلیک می‌کنند ما باید ۲۰ گلوله توپ به سمت آن‌ها شلیک کنیم. اگر ۵۰۰ تانک آن‌ها را بکشیم، فوراً آرام می‌شوند. به من اعتماد کنید. من تجربه عظیمی در این زمینه دارم. من پنج ۵ سال مسئول عرب‌ها بودم. پونداک در ماه ژوئن

نظامی اسرائیل، وزیر کشاورزی، وزیر جنگ و وزیر خارجه رژیم صهیونیستی بوده است. در زمان جنگ سال ۱۹۶۷ وزیر جنگ رژیم صهیونیستی بود و در اشغال بلندی‌های جولان نیز دخالت داشت. [۷]

سیاست موشه سرکوب جدی و کشتار فلسطینیان تا حد توان بود. او تصور می‌کرد که از طریق سرکوب و کشتار می‌توان مخالفت‌های فلسطینیان و عرب‌ها را از بین برد. اسحاق پونداک یکی از فرماندهان تحت امر او در این باره و در مورد سیاست سرکوب مورد نظرش بیان می‌دارد: «اگر ۵۰۰ تانک آن‌ها

خلال سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۵۸ فرمانده عملیات ارتش و رئیس ستاد شد. عملیات حمله اسرائیل به صحرای سینا در سال ۱۹۵۶ از جمله شاخص‌ترین پیروزی‌های نظامی وی به شمار می‌رود. در طول فرماندهی‌اش بر ارتش اسرائیل آموزش‌ها نظامی ارتش را بهبود بخشید و آن را به سلاح‌های نوین مجهز ساخت. [۱۰]

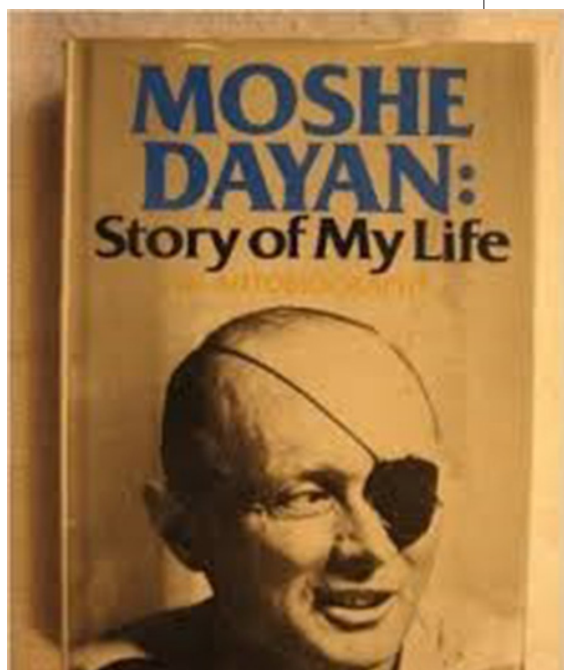
هم به تصفیه نژادی علیه فلسطینی‌ها در جنگ ۱۹۴۸ اعتراف کرده و گفته بود: وجدان من در این مورد آسوده است، چراکه اگر این کار را نمی‌کردیم، الان اسرائیلی وجود نداشت. (اگر آن کار را نمی‌کردیم) الان جمعیت عرب‌ها یک میلیون نفر بیشتر بود. [۸]

موشه دایان در سال ۱۹۶۷ به ویتنام رفت. هدف اصلی او از این سفر این بود که اثر به کارگیری سلاح‌های جدید را در میدان جنگ و در میزان توانایی این سلاح‌ها در کشتار ویتامی‌ها بررسی کند.

موشه دایان در ویتنام

در طول جنگ ۱۹۴۸ گردان اسرائیلی اشغال‌کننده «لد» و «رمله» را فرماندهی کرد و از آن زمان به بعد ستاره وی شروع به درخشیدن کرد. همین امر به او کمک کرد، زیرا وی طرفدار حزب مابای بود، در حالی که بیشتر افسران ارشد اسرائیلی حاضر در جنگ ۱۹۴۸ از طرفداران جنبش «مابام احداث هاعفوداه» بودند. [۹]

در سال ۱۹۵۰ فرمانده نظامی منطقه جنوبی شد و در سال ۱۹۵۲ به فرماندهی منطقه شمالی منصوب گردید. سپس در



به هیات دولت بازگشت، که تا سال ۱۹۷۴ در وزارت دفاع انجام وظیفه کرد. در این مدت با استفاده از محبوبیت مردمی خویش و نیز تهدیداتش مبنی بر خارج شدن از حزب کارگر، نظرات سیاسی و نظامی خود را اعمال کرد. به عنوان نمونه، رهبران حزب کارگر را مجبور

ساخت تا «پیمان الجلیل» را مبنی بر توسعه و آبادانی سریع اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ و تضمین ایجاد بندری عمیق در «یا میت» را بپذیرند. [۱۱]

اما جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ (جنگ یوم کیپور یا روزآمرزش) به میزان زیادی باعث کاهش اعتبار سیاسی و نظامی وی شد و ناکامی او را به دنبال داشت. ضمناً اینکه سوالات زیادی را پیرامون روش‌های مورد عملش به هنگام جنگ، برانگیخت. چنانکه [این روند باعث شد که] پس از جنگ مجبور به کناره‌گیری از مقام وزارت دفاع بشود. پس از پیروزی حزب لیکود در [انتخابات] سال ۱۹۷۷، وابستگی سیاسی خود را تغییر داد و در دولت مناخیم بگین وزیر امور خارجه شد. وی یکی از افراد شاخص انعقاد پیمان صلح با مصر بود. او در



پس از کناره‌گیری از ارتش [در سال ۱۹۵۸]، در چارچوب حزب ماپای به سیاست روی آورد و به عنوان نماینده مجلس چهارم انتخاب شد. در خلال سال‌های ۱۹۵۹ - ۱۹۶۴ به وزارت کشاورزی رسید، و در همان زمان عضو گروه «نسل جدید» شد، همان گروهی که بن گوریون می‌خواست آنان زمام امور حکومت را به‌جای رهبران قدیمی صهیونیسم به دست گیرند. در سال ۱۹۶۴ به‌خاطر بروز اختلاف نظر با لوی اشکول نخست‌وزیر، از هیات دولت استعفاء داد و چند ماه بعد بنا به توصیه بن گوریون، در تأسیس حزب «رافی» مشارکت کرد، که در سال ۱۹۶۸ در حزب کارگر ادغام شد.

در آغاز جنگ ژوئن [۱۹۶۷] پیرو فشار افکار عمومی و مسائل سیاسی، به عنوان وزیر دفاع



استقلال به وی واگذار شد.

در سال ۱۹۵۰ برخی از مساجد و مشهد نبی حسین در شهر عسقلان بدستور وی تخریب گردید. این بنا که به عقیده برخی از شیعیان و محل دفن راس الحسین بوده است مورد توجه و زیارت همه مسلمانان قرار داشت و به دلیل قدمت بالای آن که به قرن ۱۱ میلادی باز می‌گشت از آثار باستانی فلسطین نیز به شمار می‌رفت.

راز کلتر (raz kalter) باستان شناس یهودی می‌گوید که این بنا چنان تخریب گردید که حتی یک سنگ هم از آن باقی نماند. نگاه بسیار مثبت داوید بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائیل به موشه دایان و (شیمون پرز) که بعدها نخست وزیر و رئیس جمهور اسرائیل شد، باعث شد تا پله‌های ترقی در حیطه درجات نظامی را به سرعت طی کند، تا نهایتاً موشه دایان در سال ۱۹۵۳ میلادی، به بالاترین درجه نظام (راو آلف) در ارتش اسرائیل دست یافت و تا سال ۱۹۵۸ میلادی، فرماندهی ستاد کل نیروهای دفاعی اسرائیل را عهده دار شد. [۱۳]

سال ۱۹۷۹ از هیات دولت استعفاء داد و در سال ۱۹۸۱ حزب سیاسی مستقلی را تشکیل داد. ولی این حزب فقط به دوکرسی نمایندگی در انتخابات همین سال دست یافت. این امر مصداق بارزی بود بر پسرقت و کاهش اعتبار سیاسی و شهرت نظامی وی. پس از آن، او فردی مریض و از کار افتاده شد و مدت کوتاهی پس از انتخابات مذکور [۱۹۸۱] مرد. وی از بارزترین افراد نسل «صابرا» به شمار می‌رود (یهودیانی که در فلسطین متولد شده و به مقامات عالی در اسرائیل رسیدند). [۱۲]

پس از پایان قیومیت بریتانیا بر فلسطین و اعلام استقلال کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و آغاز جنگ استقلال اسرائیل میان کشورهای عربی و کشور تازه تأسیس اسرائیل، مسئولیت نگهداری از منطقه استراتژیک دره اردن نیازمند منبع به وی و نیروهای تحت امرش واگذار شد. با نشان دادن قابلیت‌های فرماندهی در طول جنگ، توانست نظر فرماندهان ارشد نیروهای دفاعی اسرائیل را به خود جلب کند، بطوری که مسئولیت‌های مهم دیگر و فرماندهی یگان‌های بیشتری در طول جنگ

خطوط مقدم ارتش مصر در صحرای سینا را درهم شکست و سپس با پیش روی گذاشتن کانال سوئز و نابودی کامل ارتش سوم مصر، به جبهه سوریه پانکی نظامی زد و با موفقیت نیروهای ارتش اردن، سوریه و عراق را درهم کوبید و تا حومه دمشق را تا پایان جنگ گلوله باران می‌کرد.[۱۵]

با وجود پیروزی در انتخابات کنست (پارلمان اسرائیل)، پیشنهاد مناخیم بگین، نخست وزیر وقت اسرائیل از حزب لیکود را مبنی بر قبول مقام وزارت خارجه اسرائیل را در سال ۱۹۷۷ میلادی پذیرفت.

نقش وی در مقام وزیر خارجه اسرائیل در تدوین پیمان صلح کمپ دیوید در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ و عقد اولین پیمان صلح میان طرفین جنگ اعراب و اسرائیلی‌بود که به صلح میان مصر اسرائیل انجامید، بسیار حایز اهمیت است.

نهایتاً موشه دایان بر اثر سکته قلبی در سال ۱۹۸۱ میلادی در تل‌آویو مرد.

جسد وی در ناهالال که دهکده یهودی‌نشین بود که موشه دایان در آنجا بزرگ شده و آنجا را بسیار دوست می‌داشت، دفن گردید.[۱۶]

در دوران جنگ کانال سوئز در سال ۱۹۵۶، فرماندهی جنگ را در مقام فرمانده ستاد کل فرماندهی و عملیات نیروهای دفاعی اسرائیل خود شخصا برعهده گرفت که نهایتاً منجر به پیروزی نظامی اسرائیل شد. در سال ۱۹۶۷ و جنگ شش روزه وی مقام وزارت دفاع اسرائیل را عهده دار بود و دستور ها و پیش‌بینی‌های وی در طول جنگ شش روزه عامل مهمی در پیروزی نیروهای دفاعی اسرائیل بر ارتش‌های چند کشور عربی بود. اسرائیل در پایان جنگ شش روزه، نوار غزه، صحرای سینا، کرانه باختری رود اردن (شامل اورشلیم شرقی) و بلندی‌های گولان را تصرف کرد. در کل با پیروزی‌های بدست آمده و سرزمین‌های به غنیمت گرفته شده، مساحت اسرائیل ۳ برابر افزایش یافت.[۱۴]

پس از مرگ لوی اشکول و انتخاب شدن گلدا مایر به مقام نخست وزیری اسرائیل، در سال ۱۹۷۳، موشه دایان همچنان در سمت وزیر دفاع اسرائیل باقی‌ماند. اما با غافلگیر شدن اسرائیل در حمله ناگهانی اعراب و اصرار موشه دایان مبنی بر تدافعی نگاه داشتن آرایش نیروهای ارتش اسرائیل در مقابله با اعراب، باعث شد تا در دو روز اول جنگ، نتیجه جنگ به نفع و پیشروی اعراب منجر شود. اما با تغییر استراتژی و دکترین نظامی اسرائیل مبنی بر «کشاندن جنگ به خاک دشمن»، اسرائیل

[9] - <http://content.time.com/time/covers/0,16641,19670616,00.html>

[10] - <http://www.globalsecurity.org/military/library/report/1988/KAA.htm>

[11] - <https://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/biography/Dayan.html>

[12] - <http://www.enotes.com/topics/moshe-dayan>

[13] - http://www.artsrn.ualberta.ca/JHS/Articles/article_27.pdf

[14] - http://en.wikipedia.org/wiki/Origins_of_the_Six-Day_War

[15] - http://www.historylearningsite.co.uk/six_day_war_1967.htm

[16] - <https://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/biography/Dayan.html>

پی نوشت ها:

[1] - http://en.wikipedia.org/wiki/Moshe_Dayan

[2] - http://www.jewage.org/wiki/ru/Article:Moshe_Dayan_28%Kitaigorodsky29%-_biography

[3] - <http://www.wingatekravmaga.com/orde-charles-wingate-the-friend/>

[4] - http://zionism-israel.com/bio/Charles_Orde_Wingate.htm

[5] - <http://www.jerusalemonline.com/news/in-israel/how-i-lost-my-eye-moshe-dayan-report-revealed959->

[6] - <https://www.sethkaller.com/item/-844Moshe-Dayan-Documents-Relating-to-the-Loss-of-His-Eye-in-Battle&from=9>

[7] - <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/153126/Moshe-Dayan>

[8] - <http://www.imemc.org/article/65690>

آویگدور لیبرمن هیتلر یهودی

دیدبان: «شهرک سازی در کرانه غربی رود اردن و اورشلیم متوقف نخواهد شد؛ نه برای سه ماه، نه برای سه روز و نه حتی برای سه ساعت» این جملات را لیبرمن وزیر خارجه اسبق رژیم صهیونیستی بر زبان جاری کرد؛ عنصری از حزب راست افراطی صهیونیست ها که سخنان تند و متهورانه برنند اوست؛ مواضع رادیکال لیبرمن در برخورد با فلسطینیان و تعرض بی امان به مردم مناطق اشغالی موجب شده تا وی نه تنها در میان مطبوعات ضدصهیونیستی که حتی در میان جراید غربی نیز به عنوان "هیتلر یهودی" شناخته شود.

سابقه خانوادگی

اوت لیبرمن [۱] که سال ها بعد نام خود را به آویگدور لیبرمن [۲] تغییر داد، متولد ۵ ژوئن ۱۹۵۸ در کیشیف مولدوای در اتحاد جماهیر شوروی سابق است. پدرش به نام «لو» یکی از کهنه سربازان ارتش سرخ شوروی بود.

[۳] لیبرمن به همراه خانواده اش در سال ۱۹۷۸ و در سن بیست سالگی به اسرائیل رفت. وی دوران سربازیش را در ارتش رژیم صهیونیستی گذراند و سپس وارد دانشگاه شد. مقطع لیسانس رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل را در دانشگاه عبری بیتالمقدس پشت سر گذاشت. [۴] لیبرمن از همان نخستین سال های جوانی در تشکلهای افراطی یهودی و صهیونیستی فعالیت داشت؛ از وی به عنوان یکی از پایه گذاران «شورای صهیونیستی یهودیان اتحاد شوروی» یاد می شود. [۵]

همچنین لیبرمن، یکی از بنیانگذاران «مجمع

ماست" پیوستند و این حزب که در نخستین دوره‌های شرکت در انتخابات پارلمانی تنها سه کرسی به دست آورده بود، در آخرین انتخابات (فوریه ۲۰۰۹) به پانزده کرسی رسید و مقام سوم را در بین احزاب رژیم اسرائیل (پس از حزب کادیما با ۲۸ کرسی، و حزب لیکود با ۲۷ کرسی) به دست آورد. [۱۲]

در سال ۱۹۹۹، نخست به عضویت «کنست» انتخاب شد، و سپس عضو کمیته امور خارجی و دفاعی «کنست»، و کمیته‌های کنترل کشوری، و رئیس لیگ دوستی پارلمانی اسرائیل و مولداوی شد. در ماه مارس ۲۰۰۱، لیبرمن به مقام وزارت زیرساخت‌های ملی منصوب شد، و در ماه مارس ۲۰۰۲ از آن مقام استعفا کرد. از فوریه ۲۰۰۳ تا ماه ژوئن ۲۰۰۴ در مقام وزیر ترابری بود. از سال ۲۰۰۶ تا استعفای خود در ژانویه ۲۰۰۸، در مقام معاونت نخست وزیر، و وزیر امور راهبردی،

صهیونیسم برای یهودیان شوروی سابق» [۶]، یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت اقتصادی بیت المقدس [۷]، و دبیر شاخه بیت‌المقدس سازمان ملی کارگران هیستادرو [۸]، و سردبیر روزنامه یومان اسرائیلی [۹] بوده است. وی متاهل و دارای سه فرزند (یک دختر و دو پسر) است؛ لیبرمن از سال ۱۹۸۸ با همسرش الا زندگی می‌کند. [۱۰] در حال حاضر در شهرک صهیونیست‌نشین «نوقدیم» در جوار بیت لحم زندگی می‌کند.

سابقه سیاسی

لیبرمن از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ دبیرکل حزب «لیکود» بود و سپس به عنوان مدیرکل دفتر نخست وزیری از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ اشتغال داشت. وی در سال ۱۹۹۹، حزب «اسرائیل بیتنا» (اسرائیل خانه ماست) را بنیان گذاشت و ریاست آن حزب را بر عهده گرفت. [۱۱] گرچه صهیونیست‌های تازه وارد از جمهوری‌های



اتحاد شوروی پیشین نخستین افرادی بودند که به این حزب پیوستند، ولی در نتیجه مواضع رادیکال و افراطی که لیبرمن در مورد صلح با اعراب و امور امنیتی و دفاعی اسرائیل، هزاران نفر از صهیونیست‌های دیگر نیز که دارای باورهای شیهه او بودند در طول سال‌ها به حزب «اسرائیل خانه



بود و متهم است که درباره تحقیقات محرمانه پلیس اسرائیل در بلاروس درباره اتهامات فساد مالی آقای لیبرمن او را از وجود این تحقیقات مطلع کرده بود. [۱۶] گفته شده است، در طول مدت زمانی بن آریه به عنوان سفیر رژیم صهیونیستی در بلاروس مشغول به کار بوده، لیبرمن در اکتبر ۲۰۰۸ توسط وی بر نسخه‌ای از تحقیقات و بازجویی‌های محرمانه‌ای که از بن آریه درباره پرونده لیبرمن صورت گرفته بود، دست یافته است. [۱۷]

فساد اقتصادی

پرونده رسوایی مالی لیبرمن مربوط به یک دهه پیش است؛ در آن زمان وزارت دادگستری رژیم صهیونیستی با کمک وزارت دادگستری روسیه در حال تحقیق درباره حساب‌های بانکی لیبرمن در این کشور و سرمنشأ آنها بود و در این ارتباط از برخی افراد و شخصیت‌ها از جمله بن آریه بازجویی کرده بود. لیبرمن در آن

فعالیت داشت. [۱۳] لیبرمن در ژانویه ۲۰۰۸ به بهانه اختلاف با ایهود اولمرت نخست وزیر رژیم صهیونیستی در امور سیاسی و امنیتی از دولت کناره گرفت و آن وزارتخانه را نیز ترک کرد. [۱۴] استعفایی که بعدها با علنی شدن پرونده مفاسد اقتصادی وی واقعیت دیگری را حکایت میکرد. در سال بعد در کابینه بنیامین نتانیا هو، لیبرمن سمت معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه را به عهده گرفت. مطرح شدن پرونده کلاهبرداری و پول شویی وی در مراکز قضایی رژیم صهیونیستی منجر به کناره گیری مجدد وی از مقام وزارت شد. [۱۵]

رسوایی سیاسی

لیبرمن رهبر حزب دست راستی "اسرائیل خانه ما" متهم شده که در انتصاب «زیئب بن آریه» به عنوان سفیر رژیم صهیونیستی در جمهوری لتونی به طور غیر قانونی اعمال نفوذ کرده است. زیئب بن آریه پیش‌تر در بلاروس سفیر

در دسامبر سال ۲۰۱۲ نیز آویگدور لیبرمن، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، به دلیل اتهامات فسادی که علیه وی مطرح شده است، استعفا کرد. پس از آنکه اعلام شد وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی به اتهام خیانت در امانت و کلاهبرداری دادگاهی خواهد شد، رادیو این رژیم اعلام کرد، او در اقدامی پیش‌دستانه، استعفا کرده است. دادستانی کل رژیم صهیونیستی وزیر امور خارجه این رژیم را به خیانت در امانت و کلاهبرداری متهم و پرونده‌ای را در این خصوص علیه وی باز کرده بود. [۲۱]

زمان رسماً به پولشویی و اختلاس متهم شده بود و اثبات این اتهامات دست‌کم ۱۰ سال زندان را برای وی به همراه داشت. همچنین وی متهم به دریافت میلیون‌ها دلار از تجار و بازرگانان از طریق شرکت‌هایی که وجود خارجی نداشته‌اند نیز طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ می‌باشد. همچنین «یهودا فاینشتاین»، دادستان رژیم صهیونیستی لیبرمن را به تامین هزینه‌های مالی تبلیغات انتخاباتی خود از طریق غیر قانونی و شرکت‌هایی که وجود خارجی ندارند، متهم کرده است [۱۸]. ضمن اینکه منابع خبری گزارش داده‌اند که لیبرمن از «مارتین شالوف» [۱۹]، بازرگان یهودی‌الاصل اتریشی مبالغ هنگفتی رشوه دریافت کرده است. [۲۰]





جرائم اخلاقی

در سال ۲۰۰۲ لیبرمن اعلام کرد که وی قصد ندارد تا از دستور وزارت جنگ اسرائیل مبنی بر اشغال اراضی کرانه باختری ظرف مدت ۴۸ ساعت شانه خالی کند؛ عملیاتی طراحی شده برای از بین بردن اساس و پایه تمام زیر ساختهای نظامی فلسطینیان... چنانکه سنگی بر روی سنگ باقی نماند، نابودی همه چیز، حتی اهداف غیرنظامی. در همان سال وی گفت که نیروی هوایی اسرائیل باید تمام مراکز تجاری فلسطین، از جمله بانکها و حتی ایستگاه های گاز را بمباران کند. [۲۳]

از همین رو مارتین پرتز [۲۴] نویسنده روزنامه «جمهوری جدید» درباره لیبرمن و حزبش می - نویسد: اسرائیل بیتنا یک حزب نئوفاشیستی است که رهبری آن را یک گنگستر مسلم بر عهده دارد. ما در اسرائیل شاهد به قدرت رسیدن یک «هیتلر یهودی» هستیم. [۲۵]

اواخر سال ۱۹۹۱ بود که از لیبرمن به دلیل تجاوز به یک نوجوان شکایت شد. مشابه چنین حادثه‌ای در سپتامبر ۲۰۱۱ نیز روی داد و به همین اتهام از لیبرمن شکایت شد تا دادگاه رژیم صهیونیستی وی را به پرداخت ۷۵۰۰ شیکل به عنوان دیه به شاکی و ۱۰ هزار شیکل غرامت به این رژیم محکوم کند. اما پرونده فساد لیبرمن به اینجا منتهی نشد، بلکه وی به همراه دخترش بار دیگر و این بار در رسوایی کافه «واحه لادن» در الخلیل متهم شد تا وی که در آن زمان سمت وزیر امور استراتژیک رژیم صهیونیستی را احراز می‌کرد، برای چندین هفته بر سر کار خود حاضر نشود. آریل شارون برای بستن این پرونده رسوایی سه میلیون دلار به عنوان رشوه از لیبرمن دریافت کرد. [۲۲]

مواضع رادیکال

[4]- <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/biography/ALieberman.html>

[5]- <http://archive.is/Zwh7h>

[6]- Zionist Forum for Soviet Jewry

[7]- Jerusalem Economic Corporation

[8]- Histadrut Ovdim Le'umit

[9]- Yoman Yisraeli

[10]- <http://www.reuters.com/article/09/02/2009/idUSL9314428>

[11]- <http://mfa.gov.il/MFAFA/AboutMFA/ForeginMinister/Pages/-20130508Netanyahu-Bio.aspx>

[12]- <http://archive.is/Zwh7h>

[13]- <http://mfa.gov.il/MFAFA/AboutMFA/ForeginMinister/Pages/-20130508Netanyahu-Bio.aspx>

[14]- <http://archive.is/Zwh7h>

[15]- <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/biography/ALieberman.html>

آویگدور لیبرمن در جریان انتخابات سراسری سال ۲۰۰۹ در رژیم اسرائیل، هم مواضع کینه توزانه ای را علیه شهروندان عرب سرزمین های اشغالی گرفت. لیبرمن خواهان سوگند خوردن ساکنان عرب سرزمینها اشغالی در وفاداری به رژیم صهیونیستی شد. [۲۶] وی تهدید کرد که در غیر این صورت، آنها بایستی اسرائیل را ترک کنند. وی دو سال بعد در دیدار با دیپلمات ها و سفیران کشورهای خارجی در بیتالمقدس گفت: «شهرک سازی در کرانه غربی رود اردن و اورشلیم متوقف نخواهد شد؛ نه برای سه ماه، نه برای سه روز و نه حتی برای سه ساعت» [۲۷]. وی حتی طرح دوستان غربی اسرائیل را که در پی روند سازش در منطقه هستند رد میکند و با تأکید بر تمامیت خواهی، اشتراک گذاری بیتالمقدس را با یک دولت فلسطینی و عقب نشینی از مناطق کرانه باختری رود همچون منطقه نوقدیم را رد کرده و حاضر به پذیرش آن نیست.

پی نوشت ها:

[1]- Evet Lieberman

[2]- Avigdor Lieberman

[3]- <http://www.reuters.com/article/09/02/2009/idUSL9314428>



php?nn=13910924000756

[23]- <http://original.antiwar.com/justin/27/10/2006/a-jewish-hitler/>

[24]- Marty Peretz

[25]- <http://original.antiwar.com/justin/23/02/2009/the-rise-of-avigdor-lieberman/>

[26]- <http://www.reuters.com/article/09/02/2009/idUSL9314428>

[27]- <http://www.dw-world.de/dw/article/15068075.00.0.html>

[16]- http://www.bbc.co.uk/persian/world/130217/02/2013_131_israel_lieberman_trial.shtml?print=1

[17]- <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13910924000756>

[18]- <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13910924000756>

[19]- Martin Schlaff

[20]- <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/biography/ALieberman.html>

[21]- <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/biography/ALieberman.html>

[22]- <http://www.farsnews.com/printable>



چریل بن توف Cheryl Ben Tov که نام اصلی او چریل هانین (Cheryl Hanin) بوده است و با نام مستعار سیندی به وانونو نزدیک شد و او را به تله ای که موساد برای او در رم تهیه کرده بود کشید تا او را بیهوش نموده و ببرایند و به اسرائیل برده و در آنجا با وی برخورد شود. [۲]

جان کراسمن دانشمند هسته ای اسرائیلی که در دام پهن شده توسط صهیونیست ها گرفتار شد

زیبی لیونی بد کاره ای در عالم سیاست

استفاده از زنان به عنوان یک ابزار جاسوسی و عملیات روانی از جمله برنامه های سابقه دار از سوی یهودیان و خصوصا صهیونیست هاست. این روش به حدی در میان سرویس های جاسوسی غربی و اسرائیلی رایج است که برخی از زنان در کنار مواد مخدر به عنوان دو ابزار جاسوسی متداول در غرب و دو ابزار جدی کار موساد برای جاسوسی سخن به میان می آورند. [۱]

چریل بن توف از جاسوسان مشهور سیا

یکی از مشهورترین عملیات های جاسوسی که موساد در آن از شیوه استفاده ابزاری از زنان استفاده کرده است دستگیری مردخای وانونو یا همان جان کراسمن (Mordechai Vanunu also known as John Crossman) دانشمند و فعال هسته ای اسرائیلی است که اسناد فعالیت نظامی هسته ای اسرائیل را به انگلیس برده و منتشر کرده بود. وانونو از جمله اهداف موساد بود که به دنبال ربودن او از اروپا و بردن وی به فلسطین اشغالی بودند و او را از طریق رابطه ای از همین سنخ به رم کشیدند و دستگیر کردند. جاسوس موساد مشهور به



متولد شد. او فرزند ایتان لیونی مهاجر یهودی لهستانی و سارا روزنبرگ بوده است که هر دو عضو گروهک تروریستی ایرگون بوده‌اند. ایرگون گروهکی تروریستی و شبه نظامی برای سرکوب فلسطینیان در طول دوره اشغال فلسطین به دست انگلیسی‌ها بین سالهای ۱۹۱۷-۱۹۴۸ بوده است.

زیپی لیونی دختر کسی است که بر روی سنگ قبرش (پدر زیپی لیونی) نقشه ساختگی اسرائیل (نیل تا فرات) را نقش کرده است. [۴]

لیونی از زمان نامعلومی تا سال ۱۹۹۶ رسماً در موساد فعالیت می‌کرده است. ماهیت فعالیت‌های او در موساد البته در ادامه این متن مورد توجه قرار خواهد گرفت. اما از سال ۱۹۹۶ او به عرصه سیاست وارد شد. ابتدا تلاش کرد که در فهرست حزب لیکود در انتخابات سال ۹۶ قرار گیرد که موفق نبود. اما در سال ۱۹۹۹

به طور معمول زنانی که به واسطه بی‌آبرویی و بی‌عفتی مورد توجه قرار می‌گیرند، نمی‌توانند در مشاغل سیاسی رشد چندانی بکنند و به مکان‌های بالایی دست یابند؛ اما یک استثنای ویژه وجود دارد: تزپی لیونی

تزپی لیونی قائم مقام نخست وزیر رژیم صهیونیستی از این مساله مستثنی شده است و توانسته است با این سابقه ننگ‌آور به جایگاه بالایی در میان صهیونیست‌ها دست یابد. این در حالی است که خود او صراحتاً به بسیاری از این اعمال شرم آورد در سابقه خود تصریح کرده است. [۳]

لیونی کیست؟

تزپوراه مالکاه (Tziporah Malkah) معروف به تزپی لیونی (Tzipi Livni) در ۸ جولای ۱۹۵۸ در تل‌آویو در سرزمین‌های اشغالی



از اعضای بخش عملیات ویژه سازمان اطلاعات و وظایف ویژه (موساد) بود.

مسئولیت‌های لیونی در رژیم صهیونیستی

زیبی لیونی در سال ۱۹۹۹ عضو کنیست پارلمان رژیم اسرائیل شد و برای نخستین بار در مارس سال ۲۰۰۱ وزیر «همکاری منطقه‌ای» شد و در سال ۲۰۰۳ توانست دومین پست وزارتی خود را بدست بیاورد. لیونی در سال ۲۰۰۵ و در زمان نخست‌وزیری «آریل شارون» و پس از کناره‌گیری «بنیامین نتنیا‌هو» وزارت امور خارجه، دومین وزیر خارجه زن در اسرائیل شد. وی در همین سال در تاسیس حزب «کادیما» در کنار شارون و «یهود اولمرت» نخست‌وزیر بود. [۵]

از سوی حزب لیکود به عضویت کنیست اسرائیل درآمد. در سال ۲۰۰۱ به وزارت همکاری‌های منطقه‌ای منصوب شد. و از آن به بعد در کابینه اسرائیل پست‌های متعددی مانند وزارت جذب مهاجران و وزارت کشاورزی و توسعه روستایی و ... را داشته است. او در سال ۲۰۰۵ به تبعیت از شارون از حزب لیکود جدا شده و به حزب کادیما پیوست.

او در سال ۲۰۰۶ به پست جانشینی نخست‌وزیری اسرائیل که یکی از مهمترین پست‌های اجرایی رژیم صهیونیستی است رسید. همچنین او از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ وزیر خارجه اسرائیل بوده است و در حال حاضر نیز وزیر دادگستری اسرائیل است.

وی همسر یک مدیر اقتصادی اسرائیلی به نام «نافتالی اشپیتزر» است و از او دو فرزند به نام‌های «اومری» و «یوآل» دارد. لیونی دانش‌آموخته رشته حقوق تجارت از دانشگاه برائیلان (اسرائیل) است و به مدت ۱۰ سال به شغل وکالت در کشور اسرائیل اشتغال داشته است. او به زبان‌های فرانسه و انگلیسی نیز تسلط کامل دارد.

لیونی قبل از آغاز فعالیت‌های سیاسی، همچنین

علیه او صادر شد که البته لیونی
سفر خویش را کنسل کرد و
حکم نیز در ۱۴ دسامبر باطل
گردید.[۷]

لیونی در زمان معاونت
نخست‌وزیر اسرائیل، ریاست
هیئت اسرائیلی در مذاکرات
صلح با فلسطینیان را نیز به
عهده داشت.



لیونی دومین زن در تاریخ
اسرائیل است که تاکنون
توانسته مقام وزیر خارجه را پس از گلدا مایر
که اولین نخست‌وزیر زن اسرائیل بود، کسب
کند.

او در سال ۲۰۱۲ از حزب کادیما نیز خارج
شد و به تشکیل یک حزب جدید با نام هاتنوا
به معنی حرکت دست زد: **Hatnuah The Movement**

جاسوس موساد

لیونی فعالیت خود را به عنوان یک عامل ممتاز
موساد در پاریس آغاز کرد. وی در اوایل دهه
۸۰ میلادی، بخشی از "گروه پوششی" در
پاریس بود. در آن زمان، پاریس کانون مبارزه
عوامل موساد با فلسطینیان و افرادی که به

در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۸ به رهبری حزب کادیما
انتخاب شد پس از آن شایع شد که به عنوان
نخست‌وزیر اسرائیل انتخاب خواهد شد اما
بخت با او یار نبود و رهبری حزب را نیز از
دست داد.[۶]

پس از کناره‌گیری ایهود اولمرت از مقام نخست
وزیری رژیم اسرائیل در پی رسوایی‌های مالی
سیاسی، رقابت میان لیونی که در آن زمان وزیر
خارجه این رژیم بود و شائول موفاز، وزیر
حمل و نقل این رژیم برای ریاست بر حزب
کادیما شدت گرفت.

در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۹ وقتی قرار بود که لیونی
به سفری به انگلستان برود یک حکم بازداشت
به علت جنایت علیه بشریت و کودکان در غزه



باید دهانم را بسته نگه می‌داشتم و در این باره کلمه‌ای حرف نمی‌زدم." او به گفته خودش، حاضر بود در راه کشورش دست به قتل بزند. به گفته لیونی، "کشتار و ترور، با اینکه اقدامی قانونی نیست، اگر در راه کشورتان باشد، کاملاً مشروع است." [۸]

لیونی در دهه هشتاد میلادی نیز عامل موساد در اروپا بود و با اسم رمز "اسپارو" (گنجشک)، با استفاده از روابط جنسی، اطلاعات درخواستی موساد را از شخصیت‌ها و سیاستمداران اروپایی جمع‌آوری می‌کرد.

جاسوس تمام عیار

آن گونه که یکی از ماموران سابق اطلاعاتی رژیم اسرائیل عنوان کرده، لیونی در سن ۲۲

صدام در دستیابی به فناوری هسته‌ای یاری می‌رسانیدند، بود.

لیونی از اعضای بخش ویژه موساد بوده است

لیونی در مصاحبه‌ای از فشارهای ناشی از کار کردن به عنوان یک عامل مخفی موساد و نقشش در مأموریتی مخفی در طول جنگ با لبنان گفته است. او حتی نمی‌توانسته به اعضای خانواده‌اش بگوید که یک جاسوس است. وی می‌گوید که کار کردن برای موساد مانند "زندگی همزمان در دو دنیای متفاوت" بود. از یک سو، بسیار به فعالیت‌هایی که انجام می‌دادم افتخار می‌کردم و احساس می‌کردم داریم به امنیت اسرائیل کمک می‌کنم. از سوی دیگر،

مصاحبه ای که ۱۴ سال منتشر نشد

هنگامی که لیونی ماموریت خود را در پاریس پایان یافته دید، با روزنامه ساندی تایمز مصاحبه ای کرد که این مصاحبه تا ۱۴ سال اجازه انتشار نیافت. لیونی در مصاحبه ای در سال ۱۹۸۵ شرکت کرد و در آن مسائلی را گفت که بعدها در زندگی صهیونیستی او آن موارد به عینه دیده شد. در این مصاحبه که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد لیونی به فعالیت خود در موساد اعتراف کرده و گفت حاضر است برای کشورش دست به روابط جنسی با دیگران بزند!

او در این مصاحبه گفت: « جوان و زیبا بودم و مردان زیادی از دیپلمات‌های مختلف و نیر فرانسوی‌ها دوست داشتند به من نزدیک شوند تا جایی که به خوشگل موساد معروف شده بودم».

لیونی در این مصاحبه که یدیعوت آحارنوت هم آن را منتشر کرد درباره جاذبه‌های جنسی می‌گوید: «حاضرم برای کشورم حتی از رابطه جنسی هم استفاده کنم اما تاکنون این کار از من خواسته نشد».

تزپیتی لیونی ضمن اعلام این که هیچ چیز شرم‌آوری در رابطه جنسی نیست که با کمک آن بتوان اطلاعات به نفع کشور اسرائیل را

سالگی و بعد از آنکه دوره خدمت سربازی خود را به اتمام رساند به استخدام موساد درآمد. لیونی در سال ۱۹۸۰ به موساد پیوست؛ در آن زمان این سرویس جاسوسی سرگرم شناسایی و ترور مبارزان فلسطینی بود.

تاکنون موساد جزئیات زیادی درباره لیونی منتشر نکرده است اما یافته‌هایی که روزنامه تایمز اقدام به انتشار آنها کرده نشان می‌دهد که تزپیتی لیونی زمانی که به عنوان یک عامل جاسوسی در اروپا خدمت می‌کرده خطرات زیادی را به جان خریده است.

به گفته «افراهیم هالوی» رئیس سابق موساد، لیونی در یک واحد ویژه خدمت می‌کرد. او یک مامور قابل اعتماد بود که تمامی ویژگی‌های یک مامور ایده آل را داشت. هالوی به دلایل امنیتی از بیان جزئیات درباره واحد تخصصی که لیونی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ در آن خدمت می‌کرد خودداری کرد. او در اداره حقوقی موساد استخدام شده و بعد از مدتی به پاریس اعزام شد. در آنجا لقب «خوشگل موساد» را به او داده بودند.

لیونی پس از آنکه موساد را ترک کرد مشغول تحصیل در رشته حقوق شد و این کار را تا اواخر دهه ۱۹۹۰ یعنی زمانی که وارد دنیای سیاست شد ادامه داد.

ایجاد کرد، بعدها نشان داد به خاطر منافع رژیم صهیونیستی حاضر است هر کاری بکند! از همجنس بازی گرفته تا ارتباط نامشروع با سران برخی کشورها!

لیونی؛ یک همجنس باز

پیروزی لیونی در انتخابات حزب کادیم شایعات و برخی حرف‌ها را دوباره بر سر زبان‌ها انداخت. از جمله این حرف و حدیث‌ها می‌توان به آنچه «گلن کاسلر» روزنامه‌نگار آمریکایی در کتاب خود ذکر کرده است، اشاره کرد. پایگاه خبری «ایلاف» نوشت: که «گلن کاسلر» در کتاب خود از «همجنس‌باز» بودن لیونی پرده برداشته بود.

رابطه لیونی

و رایس برای بسیار مشکوک بود

بر اساس این گزارش، خبرنگار مذکور آمریکایی در این کتاب می‌نویسد، زیبایی لیونی با دوست دختر خود که «ریندی بین» نام داشت معاشرت جنسی داشته است. [۱۰]

لیونی هم از حامیان سرسخت همجنس‌بازان در اسرائیل بوده و هم متهم به همجنس‌بازی و داشتن ارتباط جنسی با سیاستمداران زن

بدست آورد تایید می‌کند که ارتباط جنسی بخشی از کار در موساد است.

لیونی که در آن زمان ۲۲ ساله بوده می‌گوید بخاطر حفظ اطلاعات، زندگی شخصی او هم تحت تاثیر قرار گرفته و قادر نبوده با کسی ارتباط عاطفی برقرار کند و در تنهایی شدیدی زندگی می‌کرده است. وی می‌گوید حتی پدرم از کار من خبر نداشت و وقتی در فرانسه به دیدن من آمد متعجب بود که چرا من بدون اینکه کاری داشته باشم و قتم را در این کشور تلف می‌کنم؟

وی که در جوخه ترور مشغول به فعالیت بود، در ادامه اعتراف می‌کند: حاضر بودم هر کسی را بکشم یا ترور کنم. اگرچه این کارها همه‌اش (!) قانونی نیست، اما اگر در راه کشورت باشد اشکالی ندارد.

لیونی در پاسخ به این سوال که آیا در جریان کار خود با کسی رابطه جنسی داشته یا نه می‌گوید: اگر منظورتان اینست که آیا تاکنون از من خواسته شده است به خاطر کشورم با کسی بخوابم، خیر، تاکنون از من خواسته نشده است، اما اگر از من خواسته شود نمی‌دانم چه جوابی خواهم داد! (احتمالاً: به خاطر کشورم بله!) [۹]

البته لیونی که این پیش زمینه را برای خود

رایس نیز هیچ‌گاه وجود چنین رابطه‌ای را نه تنها تکذیب نکرد، بلکه تصریح کرد که یک همجنس‌باز است و برای شریک جنسی خود نیز یک آپارتمان در نیویورک تهیه کرده است.



بدکاره‌ای در دنیای سیاست

روابط نامشروع با هدف تامین منافع اسرائیل در پرونده شرم آور زندگی تزیی لیونی به کرات دیده می‌شود. روابط نامشروع متعدد لیونی در راستای اهداف رژیم صهیونیستی به حدی بود که وی با عنوان دیپلمات روابط جنسی (Sex diplomat) مشهور شده است. [۱۲]

بی شرمی لیونی در بحث‌های مربوط به ارتباطات نامشروع به حدی است که خود وی بارها و بارها بر وجود این روابط تاکید کرده است. لیونی در مقاطع مختلف و مصاحبه‌های گوناگون مهر تاییدی بر روابط نامشروع جنسی خود با سران دیگر کشورها زده است.

لیونی به صراحت عنوان کرده که هنگام فعالیت در موساد چندین عملیات ویژه از

است. مهم‌ترین این اتهامات علاوه بر مورد مذکور فوق، ارتباط لیونی با کاندولیزا رایس وزیر خارجه پیشین آمریکا است. براساس اخبار منتشر شده، وزیر پیشین آموزش کابینه رژیم صهیونیستی و عضو کنست (مجلس) این رژیم "لیمور لیونات"، لیونی را به داشتن رابطه با رایس و علاقه این دو مقام سیاسی به یکدیگر متهم کرد. [۱۱]

لیمور لیونات (نماینده کنست): لیونی یک همجنس‌باز است و با رایس روابط عاشقانه دارد

از سوی دیگر کاندولیزا رایس نیز هیچ‌گاه وجود چنین رابطه‌ای با لیونی را تکذیب نکرد و حتی اعتراف کرد که همجنس‌باز است و برای شریک جنسی اش نیز یک آپارتمان در نیویورک خریده است.

البته این ادعای لیونی مبنی بر اینکه اتاقی که وی با این دو در آن رابطه جنسی برقرار کرده، مجهز به دوربین مدار بسته بوده و جزئیات تصاویر ضبط شده است، [۱۵] کافی بود تا مذاکره کنندگان سازشکار فلسطینی جرأت تکذیب به خود راه ندهند.

این تنها یکی از اقدامات این دیپلمات روابط جنسی با یکی از دشمنان خود بوده است که نشان از خیانت این دو سازشکار فلسطینی نیز دارد. نکته قابل ذکر دیگر در این ماجرا آن است که او در زمانی اقدام به این رابطه جنسی حداقل با این دو مقام عرب کرده است که تشکیل خانواده داده و دو فرزند نیز دارد.

یاسر عبد ربه، دیگر سازشکار خائن فلسطینی که لیونی ادعا کرد با او رابطه نامشروع برقرار کرده است؛ یاسر عبد ربه هیچ گاه این ادعا را تکذیب نکرد

لیونی و سران عرب

لیونی چندین بار ادعا کرد که با برخی از سران عرب رابطه برقرار کرده و اگر آنها به منافع رژیم صهیونیستی توجه نکنند، فیلم مربوط به این رفتار نامشروع را در یوتیوب منتشر خواهد کرد. لیونی این بار اما نام طرف های مقابل خود را به مانند دو سازشکار خائن فلسطینی فاش نکرد!

جمله برقراری روابط جنسی با شخصیت های مهم برای باج خواهی از آنها داشته است. او عنوان می کند هنگام جاسوسی برای سازمان جاسوسی این رژیم (موساد) مرتکب قتل شده و برای فریب شخصیت های خارجی با آنها روابط جنسی برقرار کرده بود. [۱۳]

برای نمونه به برخی اعترافات خود لیونی در این موضوع اشاره می کنیم:

رابطه با

چندتن از شخصیت های فلسطینی

لیونی به صراحت اعتراف کرده است که با صائب عریقات و یاسر عبد ربه از مذاکره کنندگان فلسطینی ارتباط نامشروع برقرار کرده است.

لیونی که مدتی به عنوان مذاکره کننده ارشد رژیم صهیونیستی با مذاکره کنندگان سازشکار فلسطینی به مذاکره پرداخته بود، اعتراف کرده است با دو تن از اعراب فلسطینی مذاکره کننده، یعنی «صائب عریقات» مذاکره کننده ارشد فلسطینی و «یاسر عبد ربه» دبیر کمیته اجرایی جنبش آزادیبخش فلسطین ارتباط برقرار کرده است. البته این مساله تاکنون مورد تأیید و یا تکذیب مقام های عرب قرار نگرفته است. [۱۴]



روابط قطر با رژیم صهیونیستی در آن هنگام دارای عالی ترین هماهنگی و همکاری سیاسی و امنیتی بود.

لیونی و تحت تعقیب بودن؛ از ترور تا روابط جنسی

تزییی لیونی در مصاحبه با مجله تایمز به صراحت بیان داشته است که او در موارد متعددی برای کشاندن سران عرب و حتی علمای کشورهایی که با اسرائیل رابطه دارند به مسائل جنسی تلاش کرده است و در ترور برخی از فعالان فلسطینی نیز دست داشته است و برای این کارها بارها و بارها در کشورهای اروپایی مختلف به دادگاه احضار شده است اما به مدد لابی صهیونیستی توانسته است از این

گفته می شود که لیونی با شماری از مسئولان عرب و در صدر آنها حمد بن خلیفه آل ثانی امیر و حمد بن جاسم نخست وزیر قطر روابط بسیار نزدیک دارد. خود لیونی روابط خود با این دو مقام قطری را نمونه ای از بهترین موفقیت هایش در دوران تصدی مسئولیت در رژیم صهیونیستی می داند.

پرستوی سنگدل، روابط بسیار گرمی با خاندان آل ثانی داشته است

بسیاری از سیاستمداران عرب از روابط نزدیک امیر قطر با رژیم صهیونیستی به هنگام تصدیگری سمت وزارت خارجه توسط لیونی ابراز تعجب می کردند، اما به علل حقیقی آن در دوران لیونی پی نبرده بودند.

دموکرات نیست. از این رو نسبت به هرگونه عمل زنان بسیار سختگیر است. اما با این حال خاخام‌های اسرائیلی بسیاری از عمل زنان را در راستای منافع اسرائیل بدون اشکال دانسته‌اند از جمله خاخام، آری شفات از مهم‌ترین خاخام‌های یهودی، تن‌فروشی زنان اسرائیلی را در برابر دشمنان برای دریافت اطلاعات مهم مجاز دانست و آن را به منابع دینی یهودیان مرتبط کرد!! [۱۹]

لیونی در حالی به این جنایات جنسی خود اعتراف کرد که یکی از سرشناس‌ترین خاخام‌های رژیم صهیونیستی از برقراری روابط جنسی زنان صهیونیست با دشمنان تل‌آویو برای دریافت اطلاعات پرده برداشت و آن را مباح دانست و گفت، شریعت یهودیت به زنان اجازه می‌دهد با دشمن برای دریافت اطلاعات مهم روابط جنسی برقرار کنند.

لیونی نیز در توجیه اقدامات جنسی خود مدعی شده که از خاخام‌ها برای برقراری رابطه جنسی در صورت خدمت به اسرائیل و گرفتن اطلاعات مهم از دشمن اجازه گرفته است! وزیر سابق امور خارجه رژیم صهیونیستی گفته است، برای منافع رژیم صهیونیستی روابط جنسی برقرار کرده است و اگر باردیگر لازم باشد، این کار را دوباره خواهد کرد. [۲۰]

پی‌گیری‌های قضایی بگریزد. [۱۶]

لیونی درباره قتل و روابط نامشروع جنسی می‌گوید چنین کارهایی در دیانت یهود مشروع است.

وزیر سابق امور خارجه رژیم صهیونیستی اذعان کرده است، قتل شماری از فلسطینیان و دانشمندان عرب از مهم‌ترین عملیات وی در دوران حضورش در موساد بود. [۱۷]

البته باید اشاره کرد که لیونی هنوز هم در برخی از کشورهای اروپایی با نام‌های مختلفی به خاطر جرائمی مانند قتل و باج‌خواهی تحت تعقیب است ولی به مدد لابی‌های صهیونیسی تا کنون برای او مشکل خاصی بوجود نیامده است.

شرم آورتر از همه این مسائل آن است که با تلاش لابی صهیونیستی و در جهت ایجاد محبوبیت هر چه بیشتر برای این زن بدکاره، نیوزویک در سال ۲۰۰۱ او را جزو برترین زنان دنیا که باعث رشد عالم و حرکت رو به جلو شده‌اند قرار داد. [۱۸]

لیونی و سختگیری شریعت یهود برای زنان

مذهب یهود (کلیمی) درباره زنان چندان

editorchoice/tzipi-livni-sex-israel-arab531667-

[10] <http://www.irinn.ir/news/1890>

[11] - http://alainonline.net/news_details.php?sid=10015

[12] - <http://alwatan.kuwait.tt/ArticleDetails.aspx?Id=232851>

[13] <http://www.burnews.com/news/20121103>

[14] <http://www.irinn.ir/news/1890/>

[15] - Jerusalem Post. 8 March 2011. Retrieved 8 March 2011

[16] - <http://emroozofarda.ir/?p=1327>

[17] - <http://www.irinn.ir/news/1890/>

[18] - <http://emroozofarda.ir/?p=1327>

با این حال از نظر بسیاری دیگر از خاخام ها
زیپی لیونی را باید سنگسار کرد.[۲۱]

پی نوشت ها:

[1] - <http://www.asriran.com/fa/news/17974>

[2]- http://www.goodreads.com/book/show/664000.The_Woman_from_Mossad

[3] -<http://emroozofarda.ir/?p=1327>

[4] - <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/biography/TLivni.html>

[5]- <http://emroozofarda.ir/?p=1327>

[6] -<http://www.theguardian.com/world/2009/dec/14/tzipi-livni-israel-gaza-arrest>

[7] - <http://emroozofarda.ir/?p=1327>

[۱۰] - همان

[8] - <http://edition.presstv.ir/detail/34323.html>

[9] - <http://www.albawaba.com/>

www.Didban.ir

www.didban.ir

| www.didban.ir